

عوامل موثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهری

عباس حسنعلی پور

دانش آموخته دکتری، الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه اصول دین، قم، ایران.

نام نویسنده مسئول:

عباس حسنعلی پور

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۱

چکیده

امنیت از حقوق و نیازهای اولیه و لازمه رفاه انسانی و جنسیت مهم‌ترین مؤلفه تاثیرگذار در بین ویژگی‌های شخصیتی است و به عنوان نیازی اساسی در اجتماعات انسانی، جایگاه خاصی دارد. در این بین، زنان به واسطه خصوصیات بیولوژیک، مسئولیت‌ها و نگاه متفاوت، در مقایسه با مردان ارتباط متمایزی با فضا برقرار می‌کنند. آنان به تسهیلات خاصی از فضا نیازمند هستند تا اطمینانشان از حضور امن در فضاهای شهری افزایش یابد. شهر و فضای شهری محل حضور اقشار مختلف مردم است که هر یک از آنها بنا بر ویژگی‌های خاص فردی، فرهنگی و اجتماعی خود، توقعات متفاوتی از این فضاها داشته و میزان استفاده از فضاهای شهری، بیانگر پاسخگویی و تناسب آن فضا به نیازهای هر کدام از این گروه‌ها است. فضاهای شهری باید علاوه بر تأمین نیازهای اجتماعی شهروندان و تأمین خدمات و دسترسی‌های لازم برای همه کاربران فضا، تسهیلات و شرایطی را برای ایجاد و القاء حس امنیت فراهم سازند. لذا این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر تأمین امنیت زنان در فضاهای شهری با رویکرد جنسیتی از طریق مطالعات میدانی و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد که سه گروه عوامل کالبدی، اجتماعی و کالبدی-اجتماعی به ویژه شاخص «آشنایی با محیط» بر میزان امنیت زنان در فضاهای شهری مؤثر بوده و در احساس امنیت زنان در فضاهای شهری از اهمیت بیشتری برخوردار است.

واژگان کلیدی: امنیت، زنان، امنیت اجتماعی زنان، احساس امنیت، فضای شهری.

مقدمه

امنیت از حقوق و نیازهای اولیه و لازمه رفاه انسانی و جنسیت مهم‌ترین مؤلفه تاثیرگذار در بین ویژگی‌های شخصیتی است. در مفهوم عینی آن اندازه گیری فقدان تهدید علیه ارزش‌ها و در مفهوم ذهنی به فقدان احساس ترس از اینکه چنین ارزش‌هایی مورد حمله قرار خواهد گرفت اشاره دارد. در مورد افراد، امنیت به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیافتادن این حقوق و آزادی‌ها اطلاق می‌گردد. از جمله آسیب پذیرترین اقشار هر جامعه در رابطه با موضوع امنیت، زنان هستند. زنان حقیقتاً از ترسی که در طول روز با آنها همراه است آگاه نیستند. هیچ یک از آنها با این ترس به دنیا نیامده‌اند. زنان با این تفکر اجتماعی شده‌اند که آنها آسیب‌پذیر هستند و اگر برای مثال به تنهایی در شب بیرون بروند به آنها حمله خواهد شد. والدینشان، هم نوجوانان و رسانه‌ها این ترس را تاکید و تقویت می‌کنند و زنان هم آن را قبول می‌کنند و در برابر آن تسلیم می‌شوند. جز لاینفک و جدایی ناپذیر شهر فضای آن است. فضای شهری صحنه‌ای است که کنش‌ها و فعالیت‌های عمومی زندگی شهری در آنها به وقوع می‌پیوندند [1]. خیابان‌ها، پارک‌ها و میادین، ساختمان‌ها و... فضای کنش‌های انسانی در شهر را شکل می‌دهند. شهر و فضاهای مختلف و چندگونه آن ظرفی برای فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنین آن هستند. فضا یک مفهوم کالبدی برای درک این موضوع است که افراد از طریق آن جهان اجتماعی‌شان را می‌فهمند. در حالی که فضا را گستره‌ای باز و انتزاعی می‌بینیم، مکان بخشی از فضا است که به وسیله شخصی یا چیزی اشغال شده است و دارای بار معنایی و ارزشی است. فضاهای موجود شامل فضاهای خانگی و فضاهای بیرونی می‌شود. فضاهای خانگی ویژگی‌هایی نظیر لزوم حفظ خلوت، صمیمیت و انزوا را دارند و برعکس فضاهای بیرونی باید محلی برای تعاملات اجتماعی، در معرض عموم قرار گرفتن و فضاهای قابل تجربه و به طور مساوی برای همه در جهت زندگی سالم باشد. البته همان‌طور که یک خانه و همه فضاهای داخلی آن پناهگاه امنی برای خانواده و مهمان‌ها فراهم می‌کند، شهر و فضاهای آن مانند پارک‌ها، بازارها و خیابان‌ها هم باید ایمنی و امنیت را به طور مشابه برای همه ساکنان، اقامت‌کنندگان و مهمانان فراهم کند. امنیت به عنوان یک نیاز اساسی از جایگاه خاصی در اجتماعات انسانی برخوردار است و برنامه‌ریزان و طراحان فضاهای اجتماعی و به ویژه شهرها، تلاش دارند تا با شناسایی عوامل تهدیدکننده امنیت به ویژه در فضاهای عمومی، امنیت را برای استفاده‌کنندگان فراهم نمایند. زنان نیز به عنوان نیمی از اجتماعات انسانی به واسطه خصوصیات بیولوژیک، مسئولیت‌ها و نگاه متفاوت در مقایسه با مردان، ارتباط متمایزی را با فضا برقرار می‌کنند. آنان نیازمند تسهیلات خاصی از فضا هستند تا موجب افزایش اطمینان خاطر آنان از حضور امن در فضاهای شهری و به ویژه فضاهای عمومی مانند پارک گردد [2]. امنیت شهری نیز، قسمتی از حضور دنیوی و یک عنصر روحانی در منطقه شهری مدرن است. در ابتدای صبح وقتی فردی از خانه خارج می‌شود تا پایان روز، دائماً با عناصری مثل محیط‌های مسکونی ارتباط برقرار می‌کند که این خود با امنیت شهری در ارتباط می‌باشد. امروزه توجه به مفهوم امنیت شهروندان و روش‌های ارتقاء آن به عنوان یکی از اولویت‌های اساسی حرفه‌مندان و تئوری پردازان شهری تبدیل شده است. جدا از اثرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از برنامه‌ریزی و طراحی محیط‌های امن شهری بر الگوهای رفتار شهروندی و بهبود کیفیت محیطی نواحی سکونت، تبیین ویژگی‌ها و اثرات مترتب بر نقش کالبدی شهر بر کاهش جرائم شهری و یا کاستن از وقوع جرم موضوع مستقل و با اهمیتی است که در قالب تئوری‌های نوین شهرسازی بدان اشاره می‌شود. بنابراین امروزه در جوامع پیشرفته جایگاه زنان به یکی از نکات اصلی طراحی شهری بدل گشته است چراکه زنان نیمی از جمعیت ساکن شهرها هستند و روند روز افزون آنان در محیط‌های کار و فعالیت اجتماعی شهری سبب می‌شود تا در مکان‌یابی و طراحی فضاهای شهری این قشر از جامعه مورد توجه قرار گیرند [3]. لذا از آنجایی که جوامع انسانی را مجموعه زنان و مردان تشکیل می‌دهند، پرداختن به این بخش جامعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. متأسفانه نقش زنان در خدمت به کیفیت زندگی شهری به عنوان عامل فعال در مفصل بین عرصه‌های زندگی و فضاهای منفک شده مانند خانه و اجتماع به درستی شناخته نشده و نیازهای فضایی آنان نادیده گرفته شده است. بنابراین از جمله آسیب پذیرترین اقشار هر جامعه با موضوع امنیت زنان هستند، لذا در دهه‌های اخیر گفتمان قدرتمندی در زمینه فضای عمومی شهری و نقش امنیت شهری به ویژه برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه همچون زنان، گسترش و مناسب سازی فضاهای شهری برای زنان به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای پژوهشات در حوزه شهری مدون توجه قرار گرفته است. امنیت به عنوان یکی از نیازهای اساسی از جایگاه خاصی در اجتماعات انسانی برخوردار است و برنامه‌ریزان و طراحان فضاهای اجتماعی و به ویژه فضاهای شهری،

تلاش دارند تا با شناسایی عوامل تهدید کننده امنیت به ویژه در کالبد ساختار فضاهای شهری، امنیت را برای استفاده کنندگان فراهم نمایند، در این میان زنان نیز به عنوان نیمی از اجتماعات انسانی به واسطه خصوصیات بیولوژیک، مسئولیت و نگاه متفاوت در مقایسه با مردان، ارتباط متمایزی را با فضا برقرار می کنند، آنان نیازمند تسهیلات خاصی از فضا هستند تا موجب افزایش اطمینان خاطر آنان از حضور امن در فضاهای شهری گردد. بر این اساس جنسیت یکی از عوامل مهم در میزان احساس امنیت است و نقش موثری در ایجاد پنداشت نسبت به امنیت در فضای شهر در ذهن شهروندان دارد. سنجش میزان احساس امنیت زنان در فضای شهری بر اساس ویژگی های فضاهای امن است تا عوامل موثر بر نگرانی و ترس های زنان در فضاهای عمومی و محیط شهری در هنگام استفاده و حضور در فضاهای عمومی شهری شناسایی گردد [4]. اهمیت این مطالعه در بررسی عوامل موثر بر کاهش تبعیض ها و تقویت احساس اعتماد و امنیت در بین بخش مهمی از شهروندان به خصوص قشر زن به منظور تقویت احساس امنیت و مشارکت بیشتر در ساختار فضایی شهر خواهد بود. اکنون در بررسی و کنکاش موضوع پژوهش حاضر، سوالاتی در ذهن و اندیشه مطرح می شود که این پرسش ها به شرح ذیل بیان می شود؛

۱. ویژگی های فضای شهری تا چه حد بر احساس امنیت زنان تاثیر می گذارد؟
۲. ویژگی های بعد کالبدی فضای شهری تا چه حد بر احساس امنیت زنان تاثیر می گذارد؟
۳. ویژگی های بعد غیرکالبدی فضای شهری تا چه حد بر احساس امنیت زنان تاثیر می گذارد؟
۴. ویژگی های فضای شهری تا چه حد بر تعامل اجتماعی زنان در فضای شهری تاثیر می گذارد؟

ضرورت انجام تحقیق

امنیت به عنوان نیازی اساسی، در اجتماعات انسانی از جایگاه خاصی برخوردار است. برنامه ریزان و طراحان فضاهای اجتماعی، به ویژه شهرها، تلاش می کنند تا با شناسایی عوامل تهدید کننده امنیت به ویژه در فضاهای عمومی، امنیت را برای استفاده کنندگان از آن فراهم کنند. زنان به، عنوان نیمی از جمعیت انسانی، به واسطه خصوصیات بیولوژیک، مسئولیت ها و نگاه متفاوت در مقایسه با مردان، ارتباط متمایزی با فضا برقرار می کنند؛ بنابراین نیازمند تسهیلات خاصی از فضا هستند تا بتوانند در فضاهای شهری و عمومی احساس امنیت کنند. در عصر حاضر، محیط های نامطلوب شهری مشکلات بسیاری را برای امنیت شهروندان ایجاد کرده در و رشد آسیب های اجتماعی مؤثر بوده اند. با گسترش این آسیب ها، امنیت رنگ می بازد و بر میزان جرم افزوده می شود؛ مردم در کنش های اجتماعی محتاطانه عمل می کنند و با هر اتفاقی، ترس و دلهره آنان دوچندان می شود و در نتیجه، احساس ناامنی می کنند. امنیت اجتماعی آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه ای موظف است در زمینه های شخصی، اقتصادی، سیاسی و فضایی آن را برای جامعه و اعضای آن فراهم کند. امنیت نداشتن زنان در فضاهای شهری، مشارکت آنان را در اجتماع محدود می کند و علاوه بر آسیب های روانی بر فرد، خانواده و جامعه را نیز متأثر خواهد کرد [5]. طی دهه های اخیر، جامعه شهری رشد چشمگیری داشته است؛ بنابراین امنیت یکی از شاخصه های کیفی زندگی به شمار می آید. کلان شهرها به دلیل تراکم بالای جمعیت، تحولات اجتماعی و اقتصادی زیادی دارند. این تحولات سبب شده تا مفاهیمی مانند امنیت اقتصادی (بیکاری فزاینده و شغل های کاذب) ذهنیت ناامنی در جامعه به ویژه ناامنی در خیابان ها و فضاهای عمومی، آسیب پذیری مسکن ها و سایر تهدید ها درباره سلامت شهروندان را افزایش دهد. به عقیده بسیاری از کارشناسان، وجود امنیت در یک جامعه به اندازه احساس امنیت مهم است و چه بسا احساس امنیت در جامعه مهم تر از وجود امنیت است؛ چرا که واکنش های فرد در جامعه بستگی به میزان دریافت و ادراک او از امنیت دارد. زمانی که زنان در مدرسه، دانشگاه، محیط کار، مکان های عمومی، خیابان ها و ... احساس امنیت نکنند و از تجاوز جنسی، رفت و آمد در سطح شهر، حضور در فضاهای عمومی و ... احساس خطر کنند، می توان از عدم امنیت اجتماعی به عنوان یک معضل اجتماعی صحبت کرد که باید با دقت بیشتری به آن پرداخت. نتایج طرح نیازسنجی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان کشور که توسط مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری انجام شده، نشان می دهد یکی از عمده ترین مسائل و مشکلات زنان کمبود امنیت است که این مسئله در ردیف اولین دغدغه های زنان قرار دارد و چه بسا این امر باعث محدودتر شدن فعالیت زنان در محیط های عمومی شده و حضور زنان در شهر را به عنوان یک شهروند فعال با مشکل مواجه می سازد. امروزه برداشت و ادراک شهروندان از امنیت بیش از هر زمان دیگری مورد توجه قرار گرفته است. بدیهی است اگر مردم

یک جامعه، به ویژه زنان که قشر آسیب پذیرتری هستند، احساس امنیت لازم را نداشته باشند، نمی توان کیفیت زندگی مطلوبی را برای آن ها پیش بینی کرد. در جوامعی که دولت ها در پی تأمین رفاه و آسایش مردم، ارتقای کیفیت زندگی و فراهم کردن زمینه های سعادت شهروندان هستند، نتایج اینگونه پژوهش ها می تواند کمک شایانی در جهت ارزیابی دولت از عملکرد خویش و وضعیت زندگی اجتماعی شهروندان باشد [6].

روش تحقیق

بدیهی است هر پژوهش علمی نیازمند یک روش تحقیق متناسب با موضوع خود دارد. انتخاب روش تحقیق مناسب و تداوم آن در تمامی فرایند و مسیر پژوهش از اصول راهبردی یک تحقیق علمی است. پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی بوده و از همین رو برای ایجاد شالوده ایی انسجام بخش به پژوهش حاضر روش توصیفی- تحلیلی انتخاب گردید. در این مقاله سعی گردیده است تا با استفاده از الگوی متفکرینی که عناصر تشکیل دهنده ارتقاء امنیت زنان و مدل فکری آن را قبول دارند و اثرات آن همچون کوی، محله، برزن و منطقه و داشتن عناصر مورد نیاز هر سطح را می پذیرند، به مطابقت و بررسی مولفه های ساختاری شهر در جهت امنیت زنان پرداخته شود. روش گردآوری و جمع آوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز، از طریق مطالعات اسنادی مانند منابع کتابخانه ای، الکترونیکی و اسنادی در خصوص موضوع پژوهش می باشد. شایان ذکر است که اطلاعات توصیفی پژوهش نیز با خلاصه نویسی و فیش برداری از منابع نوشتاری مانند کتب، مقالات و پایان نامه های موجود و نیز آرشیو ادارات، سازمان ها و مراجع جمع آوری گردیده است. گفتنی است در بخش شناسایی مولفه های شهری در جهت امنیت و پرداختن به نقش و جایگاه زنان در فضاهای شهری موجود در شهرهای کشور، از روش مطالعات میدانی نیز با استفاده از ابزار مصاحبه و مشاهده استفاده شده است.

پیشینه تحقیق

حوزه ی شهری و فضاهای عمومی عرصه ای است که نابرابری و تبعیض جنسیتی در آن دیده می شود، به گونه ای که ادعا می شود زنان و مردان فضاهای شهری را به صورت های متفاوتی تجربه می کنند و به عبارت دیگر زنان به طور یکسان با مردان از فضاهای شهری بهره مند نمی شوند و به زعم برخی مفسرین شهری: شهرها محصول برنامه ریزی های شهری مردانه است و شهرسازی مدرن در ماهیت خود خصلتی پدرسالارانه دارد، گویا شهرسازی مدرن از ارزش ها و هنجارهای مردانه تبعیت می کند. همچنین امروزه ماهیت بیشتر فضاهای شهری جنسیتی شده و در عمل فضاهای شهری تحرک آزادانه ی زنان را محدود می کنند. به عقیده ی بسیاری از محققان، محدودیت ها و حصارهای فرهنگی ایجاد شده برای زنان در فضای اجتماعی و عرصه های عمومی باعث شده است که آنها نتوانند به خوبی از موقعیت خود بهره ببرند و مجبور باشند خود را همچون یک عنصر غیر لازم از صورت مسئله ی فضاهای شهری و عرصه های عمومی حذف کنند و نیازهای فضایی خود به عنوان یک شهروند را منکر شوند. در این راستا در دهه های اخیر در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، توجه به نیازهای ویژه بانوان از سوی برنامه ریزان شهری مطرح شده است، چراکه نیمی از شهروندان را بانوان تشکیل می دهند. پارک ها و فضای سبز مختص بانوان، به عنوان یکی از مهمترین مراکز خدمات رفاهی و تفریحی بوده است که علاوه بر جنبه ی بهداشتی و روانی، در توسعه ی پایدار شهری و بهبود کیفیت زندگی بانوان اهمیت بالایی دارد. در اغلب مطالعات، بر پارک ها و فضای سبز شهری به عنوان عامل مهمی که می تواند کیفیت زندگی اجتماعی را ارتقاء دهد تأکید شده است. پژوهش های محققان ایرانی و مطالعات خارج از ایران نشان می دهد که الگوهای فراغت زنان شهری، از شکل انفعالی و درون خانگی به شکل فعالانه و برون خانگی میل می کند. (طلعت، ۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان عوامل مؤثر بر افزایش احساس امنیت زنان در پارک های شهر بجنورد به این نتیجه دست یافت که خصوصیات محیطی، تصور فرد از خود، اعتماد اجتماعی، تجارب قبلی، آگاهی های اجتماعی، محل سکونت، احساس کنترل، نظم اجتماعی، پایداری اجتماعی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، ضمن داشتن رابطه معنادار به ترتیب بیشترین تأثیر را بر افزایش احساس امنیت زنان دارند. (گلی و همکاران، ۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان سنجش رضایتمندی از تفکیک جنسیتی فضاهای عمومی شهری از دیدگاه کاربران مطالعه موردی: پارک بانوان شمس تبریز به این نتیجه دست یافت که توجه به جایگاه زنان در جوامع کنونی و

محدودیت‌ها شاخصه‌ها را تا حدودی پیرنگتر نموده تا احساس امنیت محیطی در بخش‌های مختلف فضاهای شهری به ویژه پارک‌ها و فضاهای گردشگری در ساعات مختلف شبانه روز برای زنان فراهم شود. (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲)، در تحقیق خود با عنوان بررسی احساس امنیت زنان در مناطق شهری نمونه‌ی موردی مناطق ۵ و ۱۳ اصفهان به دست آورد که بین شاخص‌های اجتماعی و کالبدی با میزان امنیت، رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد؛ یعنی هر چه این شاخص‌ها در حد بالاتری باشند، امنیت نیز افزایش پیدا می‌کند. مردم حضور پلیس و نیروی انتظامی را مهمترین عامل در ایجاد حس امنیت می‌دانند. (گلی و همکاران، ۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان ارزیابی نگرش جنسیتی در طراحی فضاهای شهری مطالعه موردی پارک بانوان شمس تبریز به این نتیجه رسیدند که بیشترین رضایت ساکنان از نحوه‌ی طراحی پارک بانوان شمس تبریز متعلق به متغیرهای طراحی مناسب فضای درونی پارک نسبت به اشرافیت ساختمان‌های مجاور، سرزندگی و شادابی به خاطر طراحی فضاهای درونی پارک و میزان احساس امنیت و آرامش روانی در پارک است. (رحیمی و پیربابایی، ۱۳۹۲)، در تحقیقی با عنوان نقش سازماندهی فضایی و ادراکی خیابان در احساس امنیت عابرین؛ مطالعه موردی: شهر تبریز به این نتیجه دست یافتند که علاوه بر وجود همبستگی معنادار بین عوامل سازماندهی فضایی و ادراکی، نقش سازمان فضایی، قویتر و از میان شاخص‌های آن، وضوح فضا و از میان شاخص‌های عوامل ادراکی- خوانایی، ویژگی‌های جداره‌ی خیابان، بیشترین نقش را در احساس امنیت عابرین دارند. (زین العابدین، ۱۳۹۱)، در تحقیق خود با عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار بر امنیت شهروندی در شهر رشت به دست آورد که میزان اثرگذاری مسائل اجتماعی- فرهنگی بر امنیت شهروندی در شهر رشت بیش از مسائل اقتصادی-سیاسی است. (رهبری، ۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان احساس امنیت در فضاهای شهری و حق زنان به شهر: پژوهش اکتشافی در شرق تهران به دست آورد که چهار عامل مهم در نگرش و ادراک زنان از امنیت شهری مؤثر است: ویژگی‌های فضای شهری، میانجی‌های انسانی، حافظه‌ی جمعی و چندپارگی زمانی برای بیشتر زنان تأثیر میانجی انسانی، از جمله حامی فردی و حامی عام، به عنوان عوامل تعدیل‌کننده‌ی احساس ناامنی تأثیرگذار است؛ لذا ایجاد فضاهای امن شهری با طراحی فضاهای مساعد، افزایش حضور میانجی‌های عام و نظارت پلیسی ممکن می‌شود. (رضایی، ۱۳۹۱)، در تحقیق خود با عنوان مطالعه جامعه‌شناختی احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی: مطالعه‌ی موردی خیابان پاسداران شهر سمنان به این نتیجه دست یافت که احساس ناامنی عموماً از طرف مردان به وجود می‌آید و فضاهای عمومی را به فضاهایی مردانه تبدیل می‌کنند. زنان بررسی شده در این تحقیق معتقدند، اگر زنان در این فضاها پوشش مناسب داشته باشند و از حرکاتی که باعث جلب توجه مردان می‌شود پرهیز کنند تا حدود زیادی در این فضاها احساس امنیت خواهند داشت. (نیازی و همکاران، ۱۳۹۰)، در پژوهش انجام شده با عنوان عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت زنان در مناطق شمال تهران و مناطق جنوب تهران به دست آوردند که بین متغیرهای اجتماعی و فرهنگی (مهارت‌های زندگی، سرمایه‌ی اجتماعی، هویت ملی، سرمایه‌ی فرهنگی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی) با مقوله‌ی احساس امنیت اجتماعی زنان در مناطق شمال و جنوب تهران رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. (گلی، ۱۳۹۰)، در تحقیقی با عنوان زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری: مطالعه‌ی موردی پارک آزادی شیراز به این نتیجه دست یافت که عوامل محیطی مانند کاربری ارضی، تنوع کاربری‌های پیرامون و ساعت‌های فعالیت آنها و نیز مجاورت‌های مکانی کاربری‌ها، با افزایش حس امنیت زنان پاسخگو رابطه‌ی معناداری دارد. (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۸)، در پژوهش خود با عنوان سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری: مطالعه‌ی موردی محدوده‌ی اطراف شهر تهران به این نتیجه دست یافتند که بین احساس امنیت درک شده از فضا و میزان رفت و آمد و استفاده از آن رابطه‌ی مستقیمی هست. در بررسی رابطه‌ی بین نوع کاربری و میزان احساس امنیت، بالاترین میزان احساس مربوط به کاربری‌های مسکونی پیرامون پارک شهر است. (زنجانی زاده، ۱۳۸۰)، در تحقیق با عنوان زنان و امنیت شهری، مطالعه‌ی موردی: کلانشهر مشهد به دست آورد که ویژگی‌هایی مانند میزان اقتدار زن در خانواده، اشتغال زنان و محل سکونت در میزان احساس امنیت اجتماعی زنان تأثیرگذار است و رابطه‌ی معنی‌داری بین این متغیرها با متغیر امنیت اجتماعی زنان وجود دارد. (اسری سران و همکاران، ۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان ترس از جرم در پارک‌های شهری، مطالعه‌ی موردی ساکنین کوالالمپور به دست آوردند که ویژگی‌هایی چون پوشش گیاهی تراکم، حضور تنها در پارک، نامنظمی در چیدمان عناصر در پارک، آشنایی با پارک، اطلاعات پیشین در خصوص جرائم اتفاق افتاده در پارک و تجربیات پیشین قربانی شدن در جرائم از عوامل مؤثر در میزان احساس امنیت استفاده‌کنندگان از پارک‌های شهری کوالالمپور است.

(اسری سران و همکاران، ۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان مطالعه ی اجتماعی از ترس قربانی شدن در فضاهای سبز عمومی شهری، مطالعه مروری با استفاده از مطالعات پیشین (۴۸ مورد) عوامل مؤثر در میزان احساس امنیت در فضاهای سبز عمومی شهری استخراج و مشخص شد که عوامل فردی چون جنسیت و تجربیات پیشین بیش از عوامل محیطی و اجتماعی در احساس وقوع جرم مؤثر هستند. (طاهری و ابراهیم پور، ۲۰۱۴)، در تحقیقی با عنوان امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهری (نمونه موردی: کلانشهر مشهد) نشان دادند که امنیت فضاهای شهری در محدوده ی مطالعه شده پایین است. اگر زمان حضور زنان افزایش پیدا کند، امنیت شهری افزایش خواهد یافت. (دیاس^۱ و همکاران، ۲۰۰۷)، در تحقیق خود با عنوان امنیت شهری و رفتار فضایی، تحلیل ادراکی و ترکیبی از نواحی مرکز شهر پورتوآلجر به دست آوردند که عوامل اجتماعی و فضایی با توجه به اثری که اجزای محیطی و شناخت فضایی محیط های باز شهری دارند، بر کمبود امنیت و افزایش جرم تأثیرگذارند. (مارتین^۲، ۲۰۰۶)، در پژوهش زنان و امنیت در فضاهای شهری به دست آورد که ادراک ناامنی در فضاهای عمومی بسیار با پروسه ی تعاملات اجتماعی و ساخت اجتماعی ناامنی رابطه دارد. (مورن^۳، ۲۰۰۵)، طبق نتایج حاصل از پژوهشی با عنوان نگرشی بر رویکرد زندگی روزمره اعلام کرد که امنیت ذهنی جدا از میزان جرم، به وسیله ی عوامل زیادی از جمله خلق و خوی و طبیعت فردی، علائم محیطی، اعتماد سیاسی و رسانه ها، تأثیر می پذیرد و افراد مختلف با تنوع شرایط محیطی، درک متفاوتی از ناامنی و سطح تحمل دارند. (باندز^۴، ۲۰۰۴)، در تحقیق انجام شده با عنوان نظریه های اجتماعی شهر (شهر، فرد و جامعه) ثابت کرد که نظم پدرسالارانه ی جوامع با شکل گیری شهر تقویت می شود؛ چرا که فضای جنسیت زده، ناهمسانی قدرت مردان و زنان را در جامعه تشدید می کند. محدودیت تحرک زنان در استفاده از فضا و بر ساخت هویتشان به معنی تحت سلطه بودن آنهاست. لذا تجربه ی زنان از کل زندگی شخصی و اجتماعی خود به نحو متمایزی از مردان تجلی می یابد و در بسیاری از مراحل و موقعیت های زندگی با احساس هراس از مواجهه با دنیای مردانه ای که متعلق به آنها نیست و قوانین خود را به آنها دیکته می کند، مواجه می شوند. (السون^۵، ۲۰۰۰)، در تحقیق خود با عنوان تحقیقات کمی در حوزه ی مطالعات زنان به این نتیجه دست یافت که در میان زنان و افراد پا به سن گذاشته ی ساکنین شهری و گروه های با درآمد پایین ترس از ناامنی بیشتر است. (فوآ^۶ و همکاران، ۱۹۸۸)، در پژوهشی با عنوان گفتوگوهای روزانه: فضاهای زنانه و چشم انداز مساکن عمومی در سنگاپور بیان کردند که زنان می توانند در زندگی روزانه ی خود در فضاهای اختصاصی خود تغییر به وجود آورند. این تغییر در اماکن متراکم و با ازدحام بیشتر به وقوع می پیوندد.

مفاهیم، دیدگاه ها و مبانی نظری

قبل از پرداختن به مباحث نظری و ادبیات موضوع، لازم است ابتدا به تعریف و مفهوم برخی از کلمات و عبارات کلیدی تحقیق پرداخته شود، از جمله؛

مفهوم امنیت^۷

امنیت واژه ای پیچیده و به لحاظ کاربرد از گستردگی وسیعی برخوردار است. از درونی ترین افکار و احساسات بشری گرفته تا مهم ترین مسائل بین دولتها در بر گیرنده مفهوم امنیت است. ریشه امنیت از زبان عربی گرفته شده و تقریباً با مفهومی یکسان در زبان فارسی مورد استفاده قرار می گیرد. امنیت از کلمه «امن» به معنی آرامش یافتن، بیمناک نبودن و نرسیدن است و در فرهنگ معین به معنی ایمن شدن و در امان بودن تعریف شده است. امنیت به مفهوم رهایی از ترس و خطر و احساس دوری از هر گونه تعهد، به عنوان یکی از نیازهای اساسی شهروندان در ساختار شهری به شمار رفته و از اهمیت ویژه ای به واسطه در برگیری احساس آرامش و آسایش محیطی برای شهروندان برخوردار است. پژوهشگران در چارچوب واقع بینانه ای امنیت را در واژه های سیاسی و انتظامی تعریف کرده اند و بطور کلی بیشتر آن را به معنی حمایت از ارزش ها و مقابله با خطر ها و دشمن

¹Dias, L

² Martin V

³ Moran, J

⁴ Bounds, Michael

⁵ Olsen, Virginia L

⁶ Phua. L

⁷ Security

می‌دانند. بر اساس تئوری نیازها در هرم مازلو در ۱۹۶۸ امنیت یکی از نیازهای ضروری و پایه‌ای برای تعالی انسان تلقی می‌شود، درست شبیه نیازهای فیزیولوژیک انسان که برای تداوم حیات ضرورت دارد و در مجموع ارتقای این مؤلفه بر سلامت و سعادت انسان‌ها و در نتیجه جامعه تأثیر مستقیمی می‌گذارد [7].

امنیت شهری^۸

از پیامدهای ناگوار رشد بی‌رویه‌ی شهرها، افزایش جرایم شهری است. با وجود تأثیر عوامل مختلف در زندگی شهری، امنیت مهم‌ترین عامل برای اسکان شهروندان در یک محیط و محله‌ی شهری است. امنیت محیط زندگی، یکی از مهم‌ترین عوامل سازنده کیفیت مطلوب در زندگی انسان به شمار می‌رود. امنیت همواره بنیادی‌ترین نیازهای بشر می‌باشد و تا این نیاز تأمین نگردد او نمی‌تواند از فضایی که در آن قرار گرفته، برداشتی مطلوب داشته باشد. از این رو، یکی از مهم‌ترین مباحثی که طی سالهای گذشته به دلایل گوناگونی مدنظر برنامه‌ریزان و مدیران شهری قرار گرفته است، مقوله امنیت شهروندان است. امنیت شهری در معنای آرامش، آسایش و ایمنی در شهر است. همچنین امنیت در محیط‌های شهری نوعی احساس آرامش و آسایش درونی قلمداد می‌شود که از مؤلفه‌های کیفیت زندگی محسوب می‌گردد. مؤلفه امنیت نیز اشاره به جرایم علیه اشخاص و اموال آن‌ها دارد که در صورت عدم تأمین شرایط پیش-گیری کننده، اموال و جان حاضران، عابران و ناظران را به صورت بالقوه و بالفعل تهدید خواهد نمود. یک فضای شهری امن در معنای کامل آن شامل هر دو مؤلفه فوق‌الذکر می‌شود و شرایطی که از فصل مشترک این دو به وجود آید را می‌توانیم به عنوان فضای شهری امن توصیف کنیم [8].

فضای عمومی

در فرهنگ انگلیسی آکسفورد واژه Public به معنای کلی و در اکثر معانی «کلی» و متضاد خصوصی به کار رفته است. فضای عمومی بستر مشترکی است که مردم فعالیت‌های کارکردی و مراسمی را که پیوند دهنده اعضای جامعه است در آن انجام می‌دهند؛ به عبارت دیگر، فضای عمومی، صحنه‌ای است که به روی آن نمایش زندگی اجتماعی در معرض دید عموم قرار می‌گیرد. لیپتون فضای عمومی را با عنوان «اتاق زندگی بیرونی» و «مرکز تفریح و فراغت بیرون از خانه» تعریف می‌کند. فضای عمومی شامل قسمت‌هایی از محیط طبیعی و مصنوع است که عموم مردم به راحتی به آن دسترسی دارند مانند: خیابان، میداين و سایر مسیرهایی که دیگران حق عبور از آنها را دارند هم چون مناطق مسکونی، تجاری و محله‌های، فضاهای باز و پارک‌ها و برخی فضاهای عمومی خصوصی که دسترسی عموم مردم به آنها حداقل در ساعاتی از روز آزاد است [9].

امنیت و جنسیت^۹

آسیب‌ها و پیامدهای ترس از جرائم، برای همه گروه‌های اجتماعی به یک اندازه نیست و زنان، بنا به برخی مشاهدات و تجارب خود در زندگی بیشتر به این احساس دچار می‌شوند. کاسکلا و پین معتقد احساس ترس و ناامنی به طور چشم‌گیری از تجارب و خاطرات فرد از فضاهای شهری تأثیری پذیرد و عموماً این تأثیرپذیری بر حضور افراد، به ویژه زنان در عرصه عمومی اثرگذار است. طبق اعتقاد فرارو احساس ناامنی و ترس زنان جوان، بیشتر در اثر ترس از تعرض جنسی است. نوع جنایت درباره زنان و مردان متفاوت است و به همین دلیل، حس امنیت آنان نیز تبعاً تفاوت دارد. عموماً زنان نسبت به مردان بیشتر ترس را احساس می‌کنند؛ گرچه ممکن است در محیط‌های عمومی شهری در زمین مسائل خشونت بار کمتر از مردان قربانی شوند. به طور کلی مردان نسبت به زنان، درباره امنیت محیط خودشان احساسی مثبت‌تر دارند و درحالی که هم مردان و هم زنان، در تارکی احساس ناامنی می‌کنند، میزان این احساس در زنان بیشتر است. براساس دیدگاه وار، زنان کوچک‌تر از ۱۸ سال عمدتاً از نظر تجاوز جنسی نگران هستند؛ ولی پس از پا به سن گذاشتن، این ترس در آن‌ها از بین می‌رود و به شکل جدید، دوباره ظهور می‌کند. از نظر او در زنان پیر، ترس از جرم ناشی از آسیب‌پذیری فزاینده آنان است [10]. طبق اعتقاد برانگارت نیز ترس از خطر آزار و اذیت، به طور خاص در بین بخش‌های آسیب‌پذیرتر و منزوی‌تر جمعیت بیشتر است و به ویژه، پیرزن‌ها در این بخش قرار دارند. مسائلی از این قبیل به خلق فضاهای جنسیتی منجر می‌شوند: قلمروهای متفاوتی که برای زنان و مردان تصور می‌شود و همچنین، ساخت شهرها به دست مردان؛ زیرا این فضاها به نیازهای مرد متوسط توجه می‌کنند. از نظر کارپ، استن و

⁸ Urban security

⁹ Security and gender

یولز، ماهیت جنسی شده فضاهای شهری نحوه عمل فضای شهری برای محدود کردن تحرک پذیری زنان است. همچنین، این ماهیت، به لحاظ فیزیکی این محدودیت را با القاء الگوهای حرکت و رفتار بر پایه ترس و دسترسی محدود شده و از نظر اجتماعی با انگاره هایی درباره نقش زنان در جامعه شهری اعمال می کند [11].

امنیت زنان در فضاهای شهری

مکان های شهری محل وقوع اتفاقات شهری است. رشد سریع و ناگهانی شهرها، تفاوت های غیر منصفانه بین کشورها، سود جوئی، بی عدالتی، مرگ آرامش و نشاط، مرگ هوای سالم و مرگ عرصه عمومی، عدم حس امنیت برای زنان را پدید آورده است. گسترش بی رویه مناطق حاشیه نشین، تفاوت و تبعیض در ارائه خدمات عمومی و توزیع ناعادلانه امکانات رفاهی بخصوص برای شهروندان زن نشان می دهد: که تنها یک مدیریت شهری کار آمد با نگاه برابری خواهانه به تمام شهروندان می تواند به ایجاد تعادل و توازن و امنیت شهر بیندیشد و کوشش کند. شهرها بدون زنان ساخته و طراحی شده اند و بدون زنان بی رویه رشد می کنند چرا که در برنامه ریزی شهرها زنان مشارکت ندارند. زندگی زنان در شهرها، همواره تحت تأثیر نبود امنیت شهری واقعی یا بالقوه است [12]. این امر مانع دیگری برای زنان است که نتوانند شهروندان فعال همه جانبه باشند. شهرها از نظر امنیت، جاذبه ای برای زنان ندارند و آنها هنگام تردد در سطح شهر فاقد امنیت جسمی و روحی لازم هستند که این امر به ویژه در زمینه حمل و نقل و جابه جایی در شهر بیشتر نمایان می شود. بررسی های صورت گرفته از سوی سازمان ملی جوانان درباره امنیت روانی اجتماعی زنان جوان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر تهران (کانون زنان ایرانی) نشان می دهد که تنها عده کمی از آنها دارای احساس امنیت هستند. شرایطی مانند هراس از حضور در ساعات آخر شب، ترس از تنها ماندن در مکان هایی مانند پارک، ترس از رانندگان ماشین های شخصی یا حرف زدن با مردان نا آشنا برای این دسته از زنان، تجاربی ناخوشایند به همراه داشته که از شنیدن یا یادآوری آن لحظات، احساس بدی پیدا می کنند. مزاحمت هایی که این زنان جوان ۱۸ تا ۲۹ سال عنوان کرده اند در پنج مقوله «کلامی»، «فیزیکی» (شامل جنسی و با انگیزه جرم و جنایت)، «با ماشین ترساندن»، «زیرنگاه دیگران بودن» و «مسخره کردن» بوده است و مزاحمت های کلامی را شامل متلک و حرف های زشت شنیدن، با پیشنهاد یا تقاضای نامعقول مواجه شدن و مزاحم تلفنی عنوان کرده اند [11]. این زنان احساس ناامنی خود را ناشی از مزاحمت هایی می بینند که در جامعه نسبت به آنها صورت می گیرد و جامعه بدون تفاوت از کنار آنها می گذرد. به نظر آنها کم توجهی به مقابله قاطع و مستمر با پدیده زنان و مردان خیابانی امنیت را در معابر و مراکز شغلی از بین می برد. در حال حاضر زنان از هر قشر و طبقه ای و با هر نوع پوشش و آرایشی که در سطح شهر ظاهر شوند، در زمینه حمل و نقل و جابه جایی در شهر با مشکلاتی مواجه می شوند که این مساله، هم زنان دارای وسیله نقلیه و هم زنان استفاده کننده از وسایل نقلیه شهری و عمومی را شامل می شود. و همین احساس عدم امنیت، حضور زنان در شهرها را در نقش شهروند فعال با مشکل مواجه ساخته است و به جدایی بیشتر عرصه عمومی و خصوصی و محدودتر شدن زنان به عرصه خصوصی منجر شده است. پس با توجه به حضور روز افزون زنان در شهر و مشارکت آنان در فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، نیازهای روزمره آنان، که احساس امنیت در محیط شهر و رفت و آمدهای شهری از مهم ترین آنها است، باید مورد توجه برنامه ریزان شهری قرار گیرد. در این میان، شرایط جامعه پذیری خاص و موقعیت های از پیش تعریف شده فرودستی برای زنان، آنان را مستعد احساس بی اعتمادی و ناامنی بیشتری نسبت به مردان می سازد. داده های بسیاری در کشور ما این تحلیل را تأیید میکند [13]. در طرح پژوهشی مشارکت اجتماعی زنان (مراکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران) که با حجم یک هزار و ۴۷۷ نفر در سطح شهر تهران در سال ۱۳۸۱ انجام شده است، از پاسخگویان پرسیده شده بود که «در عرصه های عمومی و روابط اجتماعی تا چه اندازه احساس امنیت و اطمینان خاطر نسبت به نگاه ها و برخوردهای احتمالی آقایان احساس می کنند؟» در پاسخ های داده شده در مورد ۱۵ گونه مزبور، پایین ترین میانگین ها مربوط به «هنگام رفت و آمد در کوچه های خلوت» و سپس مربوط به «هنگام رفت و آمد در خیابان های شلوغ» بوده است. از سوی مقابل، بالاترین میانگین ها در مورد احساس امنیت در موارد مختلف مربوط به: «در وسایل نقلیه عمومی (مانند اتوبوس، تاکسی و...)»، «در انجمن های علمی و فرهنگی» و «در انجمن های اسلامی» است. حتی در این موارد میانگین مربوط از سطح ۳/۵۱ (در فاصله ۰ تا ۵) بالاتر نمی رود که در واقع به معنای سطح متوسطی از احساس امنیت است. در نخستین برنامه ریزی های شهری در نیمه نخست قرن بیستم، شهرها بر اساس تفکیک کارکردها به شیوه سنتی مورد توجه قرار گرفته اند. یعنی زنان به حوزه خصوصی و مردان

به حوزه عمومی تعلق داشته اند. این تفکیک با وجود افزایش شهرنشینی، توسعه شهرها و تغییرات، همچنان باقی مانده و باعث ایجاد تناقضی شده است که نتیجه آن ناامنی زنان در فضاهای شهری است. به طور مثال پل های عابر پیاده، پل های زیرگذر و تاریکی آنها، نحوه نورپردازی خیابان ها، سیستم حمل و نقل عمومی و سایر خدمات عمومی و امکانات موجود برای شهروندان در شهر به گونه ای است که نیاز زنان در نظر گرفته نشده است [14].

زنان در شهر و فضای شهری

یکی از خصوصیات عمده کلان شهرها، تجمع افراد با فرهنگ ها و خصوصیات مختلف فردی و اجتماعی است. یعنی شهر و فضای شهری محل استفاده و نمایش گروه ها و اقشار مختلف مردم است که هر یک بنابر ویژگی های خاص فردی، فرهنگی و اجتماعی خود، خواست ها و توقعات متفاوتی از این فضاها دارند. مردان و زنان در گروه های سنی مختلف، از خردسال تا کهن سال از فضاهای شهری استفاده کرده و نرخ استفاده هر یک از آنان از این قبیل فضاها، نشانه نده پاسخگویی و تناسب آن فضا به نیازهای هر کدام از این گروه ها است. موضوع مهمی که بیش از هر چیز در خصوص زنان، کودکان، سالمندان و معلولین اهمیت دارد، آسیب پذیری این افراد در فضاهای شهری در مقابل تهدیدات محیط پیرامون است. از این رو توجه به این افراد در یک فضای شهری اهمیت بسیاری دارد. در این میان زنان به دلیل ویژگی های خاص خود منجر به ایجاد تفاوت هایی در فضای شهری می شوند که به لحاظ روانشناسی در صورت اهمیت دادن به این ویژگی ها، آن فضا می تواند برای تمامی گروه ها (به استثناء معلولین) مطلوب و عاری از ترس، ناامنی و ناراحتی گردد [15].

تفاوت های زنان با مردان

زنان و مردان دارای تفاوت هایی در ادراک و برخورد با محیط پیرامونی خود می باشند که در این قسمت به تعدادی از این تفاوت ها اشاره شده است. زنان از لحاظ بینایی زاویه دید بیشتری نسبت به مردان داشته و در مقابل، مردان از عمق دید بیشتر برخوردار بوده و توانایی دید فواصل دورتر را دارند؛ زنان از نظر قوای شنوایی از توانایی های بالاتری نسبت به مردان برخوردار هستند؛ از نظر قوه چشایی، زنان نسبت به مردان قدرت تشخیص دقیق تری دارند؛ قوه بویایی تفاوت چندانی در میان زنان و مردان ندارد؛ همچنین استعداد تجسم فضایی، جهت یابی و هدف گیری در مردان به مراتب بهتر از زنان است. تمایل زنان و ارتباطات آنان بر جمعی بودن و مشمولیت تأکید دارد، در حالی که مردان معمولاً فردگرا هستند. زنان بر ارتباط با مردم و سایرین بیشتر از یک «انجام وظیفه» تأکید داشته و برای آن ارزش قائل هستند. بنابراین زنان دارای تفاوت های ادراکی بسیاری در ارتباط با محیط پیرامون خود نسبت به مردان می باشند، که همین امر باعث درک متفاوت آنان از فضا شده و میزان حضورشان در فضا را تحت تأثیر قرار می دهد. لذا بایستی در طراحی فضاهای شهری به این تفاوت ها توجه لازم را مبذول داشت تا حضور زنان در شهر به صورت گسترده تری مشاهده شود [16].

جایگاه جنسیت در احساس امنیت درک شده از فضاهای شهری

مشخصه های فردی در ادراک از امنیت و میزان استفاده فرد از یک فضای شهری تأثیر دارند، مثل موقعیت اجتماعی، شخصیت، نقش ها (سن و طبقه اجتماعی، پشتوانه خانوادگی، دانشجو بودن و یا کارگر بودن و ...) و این مسائل در تعیین راحتی این افراد و همچنین در میزان درکی که از آسیب پذیری یک مکان دارند، تأثیرگذار است. عموماً عوامل زیادی برای عکس العمل نشان دادن مردم به ترس وجود دارند، اما برخی از این عوامل نقش بیشتری دارند از جمله: جنسیت، سن، تجربه های گذشته در مورد جرم، محیط و جغرافیا، قومیت و فرهنگ و سایر متغیر ها. اما جنسیت به عنوان مهم ترین عامل شخصیتی در درک امنیت محسوب می گردد. نوع جنایت و حس امنیت در مورد زنان و مردان متفاوت است، اما عموماً زنان ترس بیشتری را حس می کنند تا مردان، گرچه ممکن است کمتر از مردان قربانی شوند و بطور کلی مردان احساس مثبت تری در مورد امنیت محیط خودشان نسبت به زنان دارند. هم مردان و هم زنان در تاریکی احساس ناامنی میکنند ولی درجه حس ناامنی در زنان بالاتر است. مثال در مورد وسایل نقلیه بیش از ۶۰ درصد زنان در تاریکی احساس ناامنی دارند (گزارش کنفرانس لندن، ۵، ۲۰۰۵). اما ترس از جرم رفتار و حالات را در فضاهای شهری تغییر می دهد و این اثرات روی زنان و دیگر گروه های آسیب پذیر اجتماعی و اقتصادی شدیدتر است، اثراتی نظیر اینکه: حرکت های آنها را محدود می کند و به ویژه بعد از تاریک شدن هوا موجب در خانه ماندن آنها می شود و فرصت های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها را کاهش می دهد. در این فرآیند آنها از فعالیت های اقتصادی و

اجتماعی نظیر کار کردن تا دیر وقت و یا شغل هایی که شیفته هستند و یا کلاس های عصر گاهی و نظایر آن مستثنی می شوند و البته در این گونه موارد همواره زنان فقیر بیشتر قربانی جنایت و ترس از آن می شوند. در مجموع باید گفت عدم امنیت زنان در فضاهای شهری مشارکت کامل آنان را در اجتماع محدود می کند و علاوه بر آسیب های روانی فرد بر خانواده ها و در نهایت کل جامعه تاثیر گذار خواهد بود. همچنین ظرفیت اقتصادی زنان در سطوح شهری وابسته به امنیت آنهاست. فعالیت های اقتصادی زنان بعضادر اقتصاد غیر رسمی و یا نزدیک به خانه آنها متمرکز شده است، آنها به تسهیلاتی برای اشتغال در محیط شهری و مسکونی خود نیاز دارند[17].

احساس امنیت در محیط شهری و تأثیر آن بر فعالیت های زنان

مطالعات آشکار می سازد که زنان مشارکت در فعالیت هایی را که لازمه بودن در موقعیتی است که احساس امنیت در آن نمی کنند را ترجیح نمی دهند. آن ها از پیوستن به فعالیت هایی که در عصر اتفاق می افتد، خودداری کرده و از پذیرفتن مشاغلی که حضور آنها با خطر مواجه باشد، مخالفت ورزیده و حتی در کارهای اجتماعی که در مکان های مردانه اتفاق می افتد، شرکت نخواهند کرد همچنین آنها برای اطمینان از امنیت شخصی، از استفاده از حمل و نقل عمومی و یا پیاده روی خودداری کرده، استفاده از ماشین شخصی خود را ترجیح می دهند. آن ها از رفتن سینما به تنهایی و یا از انجام دادن تمرینات ورزشی در فضای بیرونی مثل دویدن و پیاده روی اجتناب می کنند. تحقیقات انجام شده نشان دهنده آن است که اکثر زنان ترجیح می دهند، فعالیت های خود را در فضاهای عمومی در طول مدت نهار و یا بعد از کار انجام دهند. آنها از فعالیت هایی که امنیت فردیشان را به خطر بیندازد، احتراز می کنند[18]. این موضوع بر زندگی روزمره آن ها تأثیر گذاشته و دامنه و تنوع فعالیت های زنان را محدود می کند. ترس تعیین کننده فعالیت هایی است که زنان در آن شرکت می کنند، به قسمی که، مکان و زمان و تأثیرات توانایی زنان در برابر عملکرد شهر به عنوان شهروندان با حقوق مساوی به حساب می آیند به علت ترس از خشونت و تعرض، زنان کمتر تمایل دارند که بعد از تاریکی در شهر حضور یابند. به همین دلیل آن ها در ساعات خاصی از روز، در مکان های خاص و از حمل و نقل خاص استفاده می کنند. پیاده رویهای خلوت یا روشنایی اندک و پارکینگ های طبقاتی مشکلات خاصی را برای زنان در حرکت ایجاد می کنند. برای بسیاری از زنان، شهر مکانی نامیمون و بد شگون، سرشار از تهدیدات خشونت و یا ترس، به شدت مانع از تحرک زنان، به خصوص در شب می شود. بنابراین ترس و احساس ناامنی از فاکتورهای مهم در الگوی حرکتی زنان می باشد. عامل زمان فعالیت و مکان انجام آن نیز از اهمیت بالایی برخوردار است؛ به طوری که با احساس امنیت مرتبط بوده و به خصوص برای زنان در انتخاب و انجام فعالیت تأثیرمستقیم می گذارد. گزارش ها در مورد فعالیت های زنان حاکی از آن است که در ساعات عصر زنان از شرکت در فعالیت های غیرضروری اجتناب می کنند[19]. بر طبق گزارش های اعلام شده، ۲۵ درصد از زنان هرگز به تنهایی بعد از تاریکی هوا بیرون نمی روند. به طوری که تحقیقات جیکوبز و نیومن^{۱۰} نشان می دهند، احساس امنیت نه تنها مربوط به زنان، بلکه به سطح فعالیت خیابان و به تأثیر ایجاد نظارت غیررسمی مرتبط است خشونت علیه زنان، تهدید شدن، ارباب، آزارهای فیزیکی به طور قابل توجهی مانع از تحرک زنان در شهر می شود. اکثر زنان در شهرهای بزرگ به دلیل احساس نا امنی، تحرک و فعالیت های خود را محدود می سازند. ترس زنان از خشونت و جنایت، شیوه زندگی، روال عادی آن و طریقه تجربه آنان از فضاهای شهری و قلمرو عمومی را به طور خاص تحت تأثیر قرار می دهد[20].

جدول شماره (۲): جمع بندی راهکارهای ارتقا حس امنیت زنان در ساختار شهر

اهداف	راهبرد	سیاست
امنیت زنان در ساختار شهری	- تقویت حضور مردم در محیط و نظارت آنها بر محیط - جلوگیری از جرم و جنایت (CPTED) - مشارکت زنان در تهیه و اجرای طرح های شهری - کنترل فضا (قلمروگرایی) - بهبود عملکرد نیروی انتظامی - پوشش مناسب و حجاب - افزایش ادراک فضایی محیط - دسترسی به کمک	- امکان مشاهده فضا از راه دور - امکان رویت داخل فضا از خارج - ارتباط فضا با ساختمان های مجاور - ایجاد محورهای بلند دید - تنوع حمل و نقل عمومی موجود - تامین دسترسی افراد با نیازهای خاص - افزایش کیفیت راه یابی در محیط
		- افزایش میزان استفاده از فضا در طول شبانه روز - اختلاط کاربری ها متناسب با سن و جنسیت استفاده کنندگان
		- نورپردازی مناسب - ایجاد لبه های فعال تجاری در مجاورت معبر - مبلمان شهری مناسب - پوشش گیاهی

رویکردهای مختلف در بررسی، مطالعه و سنجش امنیت زنان

«خطرپذیری»، «احساس ناامنی» و «ترس از جرم» در بین زنان نیز هم چون هر مفهوم و اصطلاح دیگری در حوزه علوم اجتماعی دارای فضاهای مفهومی متنوعی هستند که این تفاوت ها به رویکرد اتخاذ شده توسط محققان این حوزه برمی گردد. با این وصف، تحقیقات صورت گرفته در این خصوص بیشتر در سه دسته جای می گیرند. دسته نخست آنها در گروه تحقیقات جامعه شناختی قرار دارند که «خطرپذیری»، «احساس ناامنی» و یا «ترس از جرم» را به عنوان یک متغیر وابسته در نظر می گیرند که تفاوت های موجود در بین افراد جامعه مورد بررسی بر مبنای این صفت ها را به دسته ای از متغیرهای جامعه شناختی دیگر ربط می دهند و سعی می کنند که نشان دهند با تغییر در وضعیت متغیرهای مستقل مورد نظر، تغییراتی در متغیر وابسته ایجاد خواهد شد. عمده این متغیرها عبارتند از «مورد احترام واقع نشدن زنان توسط مردان»، «تبعیض»، «عدم تبعیت از هنجارهای پذیرفته شده»، «قومیت»، «موقعیت خانوادگی» و «وضعیت اشتغال»، «ساختار روند احاطه کننده ساختارهای اجتماعی»، «هویت» و «عاملیت»، «بی ثباتی»، «محرومیت» و «عدم اطمینان»، «تجارب قبلی مورد خشونت قرار گرفتن»، «فقر و محرومیت»، «اختلال در احساس تعلق و همبستگی اعضای اجتماع»، «انزوا و آسیب پذیری اجتماعی»، «تسلط مردان و القای ترس» و «پنداشت از پلیس»، «میزان احساس تعلق خاطر به اجتماع»، «تنوع قومی و زبانی» و «پایگاه اجتماعی-اقتصادی» و «سبک زندگی». ویژگی مشترک این متغیرها، ماهیت اجتماعی و فرهنگی آنهاست که شاکله اصلی تحلیل های جامعه شناختی درخصوص ریشه های ترس، ناامنی و همچنین خطرپذیری را تشکیل می دهند [21]. دسته دوم از تحقیقات در زمره تحقیقات جرم شناختی قرار دارند. در این گونه تحقیقات، خشونت و آزار جنسی زنان معمولاً کانون توجه است و متغیرهای فردی از قبیل ویژگی های ژنتیکی، خصوصیات شخصیتی، صفات روانشناختی و... نقش متغیرهای مستقل را ایفا می کنند تا پراکندگی افراد اجتماعات مورد

بررسی براساس خشونت و آزار جنسی را تبیین کنند. برخی از جسارت مرد به لحاظ فیزیولوژیکی سخن گفته اند که امکان دارد در قالب خشونت درآمده و فی نفسه در ارتکاب جرائمی هم چون همسرکشی مؤثر باشد. روانشناسان و روانپزشکان در مطالعه بزهکاری، ارتباط آن را با ترشحات داخلی بدن (به ویژه هورمون ها) فعالیت های استثنایی مغز، عوامل درونی و در مفهوم عام تر عوامل بیرونی مؤثر بر فرد مورد بررسی قرار داده اند. دسته دیگر از تحقیقات بیشتر به عوامل محیطی به عنوان زمینه شکل گیری خطرپذیری زنان پرداخته اند. در این تحقیقات معمولاً شرایط فیزیکی و ویژگی های فضاهای کالبدی در شهرها باعث می گردند که فضاهای بدون دفاع و آسیبزا شکل گرفته و استفاده از این فضاها برای زنان استرسزا و ترس آور باشد و میزان امنیت آنها را کاهش دهد. این گونه تحقیقات بیشتر در زمره پژوهش های برنامه ریزی شهری و شهرسازی هستند که ویژگی های فضاهای شهری را در میزان خطرپذیری افراد و به ویژه زنان مؤثر می دانند. تحقیقاتی که با این رویکرد انجام شده اند معمولاً بر متغیرهایی همچون «محله ای انتظار و وسایل حمل و نقل عمومی شلوغ/ ایستگاه های اتوبوس»، «کمبود و یا ضعف علائم و اطلاعات»، «نبود توالت های امن و پاکیزه برای زنان در فضاهای عمومی»، «کمبود روشنایی»، «فقدان شاخص های جنسیتی در برنامه ریزی های شهری» و «پیاده روهای نامناسب در مناطق فقیرنشین»، «مکان ها و فضاهای کم نور»، «مسیرها و کوچه های تاریک»، «ایستگاه های اتوبوس دورافتاده»، «دستشویی های عمومی نامناسب»، «بوته ها و طراحی نادرست فضاهای سبز»، «ساختمان های با طراحی نامناسب» و به طور کلی «محیط مصنوع»، «طراحی ضعیف و نامناسب خیابان ها و خانه ها»، «میزان تردد و استفاده از فضا»، «ویژگی های فیزیکی محله (طراحی شهری)»، «ساختمان های فرسوده»، «ابنیه مخروبه، متروکه و رها شده»، «نقاشی های دیواری نامناسب»، «زمین های خالی»، «وجود نقاط پنهان و اختفاء»، «کیفیت نامناسب تقاطع ها و پیاده روها»، «عدم رعایت سلسله مراتب فضایی»، «مراقبت پایین از ساختمان ها» و «نظارت پایین بر فضای محلات»؛ وجود نقاط اختفاء، کیفیت نامناسب راه ها و تقاطع ها و کیفیت نامناسب مسیرهای پیاده؛ عدم اختلاط مناسب کاربری ها، فعالیت های نامتجانس، انواع آلودگی و موارد دیگر تأکید دارند. به طور کلی، رویکرد محیط فیزیکی و کالبدی به ترس از جرم و خطرپذیری زنان بر این انگاره استوار است که فضاهای شهری منبع اصلی ترس از جرم، ناامنی و خطرپذیری افراد و به خصوص زنان هستند [22].

عوامل مؤثر بر احساس امنیت زنان در فضای شهری

• مزاحمت های خیابانی

یکی از انواع آزار و اذیت هایی که زنان در جوامع مختلف به اشکال متفاوت با آن مواجه هستند، مزاحمت های خیابانی است. بومن در تعریف مزاحمت خیابانی می نویسد: رفتارهای زیادی هستند که در حیطه مزاحمت های خیابانی قرار می گیرند. مزاحمت غریبه ها شامل رفتارهای کلامی و غیرکلامی می شوند. تا کنون مطالعات محدودی در خصوص مزاحمت های خیابانی در ایران صورت گرفته است. مطالعه سحابی نشان می دهد که زنان ایرانی، مزاحمت خیابانی را مهمترین عامل تهدید خود می پندارند. متلک، حرف های رکیک و رفتارهای غیرعادی از جمله مزاحمت هایی است که زنان ایرانی تجربه می کنند.

• تاریکی هوا و امنیت تردد در شهر برای زنان

حقیقتی که وجود دارد این است که تعداد زیادی از زنان پس از تاریک شدن هوا از خانه های خود بیرون نمی آیند تا از فضاهای عمومی استفاده کنند و یا از کسی می خواهند تا آنان را در حضور شبانه مشایعت کند. نکته جالب این است که تاریکی شب خود به عنوان یک عنصر طبیعی از تغییر محیط زیست که بر ترس از جرم تأثیر می گذارد، از نظر اجتماعی تحت تأثیر جو اجتماعی حا کم بر فضای شبانه قرار می گیرد [23].

• عامل نظارت بر تردد زنان

نظارت مؤلفه بسیار مهمی در ارتقای میزان رضایت اجتماعی زنان از محیط ها می باشد. معمولاً دو عامل در ایجاد و بهبود ضریب نظارت مؤثر می باشد.

• نظارت عمومی، اجتماعی و طبیعی

این عامل که در قالب تئوری چشم های خیابان به وسیله جین جیکوب مطرح شده، به معنای نظارت به وسیله خود مردم بر فضای شهری به صورت غیررسمی می باشد. براساس مطالعه ای که روی خشونت در واحدهای همسایگی شهری در اواسط دهه

۱۹۹۰ انجام شد، نتایج نشان داد نرخ خشونت کمتری در واحدهای همسایگی که «روحیه جمعی» دارند، اتفاق می افتد و این روحیه باعث نظارت در نگهداری و مراقبت از بچه های آنان و ابقای نظام عمومی می شود. درواقع این مفهوم در قالب جمله «مردم باید خود پلیس یکدیگر باشند» در فرهنگ ما نیز رواج داشته و احساس کنترل فضا به وسیله سایر مردم موجب افزایش حس امنیت عابران می شود.

• نظارت غیراجتماعی (مانند دوربین های مداربسته)

این ابزار در جایی که مراقبت طبیعی امکان پذیر نیست، ممکن است مناسب باشد. دوربین های مداربسته می توانند در مکان هایی در سطح شهر مانند درون معابر، در اتوبوس ها، در پارکینگ های ماشین و یا در زیرگذرها و پل های عابر پیاده کار گذاشته شوند. درواقع این ابزار با ایجاد این حس که محیط تحت نظر است، ضریب ایمنی محیط را بالا می برند [23].

• روشنایی و امنیت

یکی از مهمترین عواملی که در افزایش امنیت مؤثر است، استفاده از نور و روشنایی می باشد. نور مناسب به مردم کمک می کند که بهتر ببینند و دیده شوند.

کیفیت پیاده روها و امنیت

یکی از عواملی که موجب ارتقای امنیت فیزیکی و روانی پیاده رو می گردد، کیفیت شبکه معابر پیاده و پوشش آن برای شخص پیاده می باشد. پیاده روها علاوه بر نقش دسترسی و ارتباطی، مکانی امن و راحت برای تماس اجتماعی، گردش، تماشا و غیره فراهم می آورند. در پیاده روها آزادی عمل فرد پیاده برای توقف، مکث، تغییر جهت و تماس مستقیم با دیگران بسیار زیاد است.

• پوشش گیاهی و امنیت

مهمترین عناصر کالبدی موجود در فضای سبز را پوشش گیاهی تشکیل می دهد. در زمینه طراحی فضاهای شهری دفاع پذیر، نقش کاشت درختان و درختچه ها در ایمنی فردی مورد توجه قرار می گیرد. این ایده بر این پایه استوار است که درختان و درختچه ها در شهرها می توانند موجبات کمک به جنایتکاران را فراهم سازند (از نظر ارتفاع درختان و درختچه ها و حجم بوته ها). در راستای این ایده و به دنبال ارائه راه حل، شورای شهر بیرمنگام در سیاست کاشت درختان در فضای درون شهر قانون کاشت درختان با قطر کمتر از ۱۵۰ میلیمتر را اعلام کرد [23].

• نقش قابل دید بودن محیط در امنیت

قابل دید بودن یک فاکتور مهم در افزایش احساس امنیت و آسایش استفاده کنندگان یک محیط است. درواقع اگر مردم بتوانند جلو و اطراف خود را ببینند و مردم دیگر را مشاهده کنند، احساس امنیت آنها به طور قابل ملاحظه ای افزایش پیدا می کند. وضوح مرزها به کاربران اجازه و توانایی بررسی حضور افرادی که ممکن است برای آنها یک خطر محسوب شوند را می دهد که این عمل یعنی توانایی دید داخل و خارج منطقه نفوذپذیری بصری نامیده می شود. وجود بوته زارها، نرده ها، دیوارها، گوشه ها، آلاچیق ها با ساختمان ها می تواند مانع از دید و در نتیجه کاهش درک ایمنی واقعی شود.

• نقش پلیس در تأمین امنیت

افزایش ناامنی های اجتماعی، سرقت ها، رفتارهای غیرمسئولانه و ضد اجتماعی، امروزه در بسیاری از جوامع به شکل حاد درآمده و از حالت یک پدیده اجتماعی خارج و به شکل یک معضل اجتماعی نمودار شده است که سلامتی و امنیت جامعه را به مخاطره می اندازد. در این میان یکی از مهمترین ارگان ها برای وظایف پلیس، مانند وظایفی که در خصوص کشف جرائم مهم انجام می دهد و برخی اقدامات فضایی که به پلیس محول می شود، درواقع وظایف ثانوی پلیس هستند [23].

• نقش رنگ در میزان امنیت

برخی روانشناسان معتقدند که رنگ هم از نظر فیزیولوژیک و هم از نظر روحی-روانی بر انسان ها تأثیر می گذارد؛ به طوری که می توان از آنها حتی در کاهش برخی بیماری ها و افزایش یا کاهش برخی اختلالات روحی-روانی استفاده کرد.

• حمل و نقل و امنیت

تحقیقات نشان می دهد که زنان بیشتر از اتوبوس استفاده می کنند. سرویس دهی منظم وسایل نقلیه عمومی و امنیت فضای ایستگاه ها و پایانه ها یکی از مؤلفه های اصلی در جلب اعتماد عمومی به این نوع از حمل و نقل است. موارد مختلفی برای بهبودی ضریب امنیت عمومی در مؤلفه های حمل و نقل شهری مطرح شده که بر مسائلی تأکید دارند که نه تنها ابعاد فیزیکی بلکه ابعاد روانی استفاده از مؤلفه های حمل و نقل شهری را در بر می گیرد. چهار ویژگی عمومی که هر ایستگاه اتوبوس باید داشته باشد، عبارتند از: ۱- دید، مردم باید قادر به دیدن نزدیک شدن اتوبوس به ایستگاه باشند، ایستگاه هایی ضعیف ارزیابی می شوند که این شرایط را فراهم نکنند که در این صورت مردم مجبور به ترک ایستگاه خواهند شد. ۲- دسترسی، مردم باید به راحتی قادر به سوار شدن به اتوبوس باشند. برای بسیاری از مسافران این جنبه مهمترین ویژگی یک ایستگاه اتوبوس است. ۳- آسایش، راحتی و امنیت؛ ایستگاه اتوبوس باید جایی برای نشستن، محافظت در برابر شرایط آب و هوایی داشته باشد و القا کننده احساس ایمنی و امنیت باشد. ۴- اطلاعات؛ مردم نیاز به دانستن زمان رفت و برگشت اتوبوس دارند. این امر به ویژه برای افراد غریبه ای که با این روند آشنا نیستند، اهمیت دارد [23].

• فیزیک محیط در رابطه با حس امنیت

خصوصیات برخی فضاهای شهری به گونه ای است که زمینه ترس بیشتری را فراهم می آورد. عدم وجود نور کافی در خیابان، خوابیدن بی سرپناهان و معتادان در کنار خیابان و نبود پیاده رو در اتوبانها از آن جمله اند. براساس نظریه اسکار نیومن، فضاهایی که امکان دیدن و دیده شدن در آنها بیشتر باشد و در ذهن امکان کمی برای فرار فراهم آورند، پتانسیل کمتری برای فعالیت مجرمان فراهم می آورند.

• دسترسی پذیری

دسترسی به مفهوم سهولت "نفوذپذیری" به بخش های مختلف بافت شهری و غیره است. درواقع نخستین پیش شرط طراحی یک فضای خوب در شهر، امکان دسترسی به آن است. بدون امکان دسترسی مناسب، امکان استفاده از فضا کم می شود و احساس تعلق به آن نیز رقیق می گردد [23].

برنامه ها و استراتژی های بهبود وضعیت امنیت زنان

با توجه به نظریات فمینیسمی و تحت تاثیر آن و همچنین با توجه به تمایل روز افزون زنان برای حضور پذیری در فعالیت ها و امور شهری اقدامات و برنامه هایی در کشورهای مختلف جهت ایمن سازی فضاهای شهری انجام شده که به برخی از آن ها اشاره می کنیم؛

آنی مارگوران که مشاور سیاسی شهردار لندن بود، به شهردار لندن توصیه کرد که شهر امنی برای زنان ایجاد کند و مثلاً برای حمل و نقل عمومی ایمن سازمان های ویژه ای را در نظر بگیرد که تحت کنترل پلیس باشند، مثلاً تاکسی تلفنی هایی که در شب، سفرهای امن تری را برای آنان فراهم کند، الیزابت جانسون (قائم مقام مدیر مجمع اروپا برای امنیت شهری) یادآور شده برای داشتن استراتژی موفق و بلند مدت و بهبود احساس امنیت زنان، نیاز به آموزش مردم هم هست. زیرا مردم (و از جمله خود زنان) ممکن است اجازه استفاده راحت زنان از فضاهای عمومی را ندهند [24]. راهکارهایی نظیر انتشار راهنماهایی برای ایجاد احترام در بین زنان و مردانی که در مسیر مدارس و مجتمع های مسکونی توزیع شده اند و البته این آموزش باید برای برخی از رهبران جامعه نیز صورت گیرد با اجرای این طرح و بررسی تاثیرات آن در فرانسه به رفتار مردان مشخص شد که سرعت و شتاب حرکت زن ها بسیار آهسته تر از مواقعی بود که زنان احساس تحت فشار بودن را داشتند و روشن است که مردان نباید موجب این بی عدالتی در برابر زنان شوند. شینوها معمار مشهور اکولوژیک در مورد نقشی که معماران در امنیت زنان در شهرسازی می کنند، صحبت کرد و اینکه مردم با هر پشتوانه ذهنی با دیدن دیوارهای چرک احساس بدی پیدا می کنند بنابراین طراحان و معماران شهری مسئولیت اجتماعی فشرده تری برای ایجاد چشم اندازهای خوب و بناهای کاربردی و نورپردازی صحیح دارند. همچنین در سال (۱۹۸۸)، صاحب نظران، طرح های هدایتی در مورد امنیت ارائه دادند که شامل گزارش با عنوان دستیابی به

همه چیز، بود طرح راهنمایی امنیت اسکان نوشته سوسوارک و فیچستر (۱۹۸۷)، از اقدامات دیگر بود، سیاست های امنیتی از بخش های بزرگراه های سرچشمه می گرفت و به دنبال سازگار کردن امنیت جاده به منظور تامین امنیت زنان بود [25].

رویکرد های مربوط به زنان و ساختار فضاهای شهری

رویکرد عدم مشمولیت

پیش از انقلاب صنعتی در اروپا و آمریکا براساس جنسیت دو قلمرو وجود داشت: ۱. زنان به فضای خانه یا نزدیکی محل سکونت تعلق داشتند و در مقابل مردان به مکان های دور از خانه دسترسی راحت داشتند، مکان هایی که سایر مردم در آن جا جمع می شدند. به عبارت دیگر، وظایف مردان در ارتباط با کار های سنگین و بافاصله از خانه در نظر گرفته شده بود و جامعه ایده آل نیز برای آنان برنامه ریزی و طراحی می شد. پس از انقلاب صنعتی و با جدایی خانه و تولید، دو قلمرو خانه و فضای عمومی ایجاد شد. خانه پناهگاهی برای آسایش، محبت، معنویت، و عاری از هرگونه کار و فعالیت بود. زنان نه فقط باید فضایی برای بازیابی ایده آل همسرانشان ایجاد می کردند، بلکه باید پرستار و حافظ ارزش های معنوی شوهران و فرزندان نیز می بودند. با این ذهنیات و تصورات، مفاهیم دوگانه و ایدئولوژیکی شکل گرفت: ۱. خصوصی/ عمومی، ۲. خانه/ کار، ۳. زن/ مرد ۴. حومه/ شهر. فکر قلمرو مجزا هم ایده آل بود و هم توجیه ایدئولوژیک داشت. اگرچه زنان معمولاً متعلق به شمار می رفتند، اما بسیاری از آنان به دلایلی به قلمرو های عمومی مانند کارهای روزمزد وارد می شدند. آن ها به تبعیض های موجود اعتراض می کردند و وظایفشان به وظایف مردانه در قلمرو خصوصی توسعه یافت. به این ترتیب ایده جدایی جنسیتی، جدایی فعالیت ها، و فضاها در اصول برنامه ریزی، طراحی، و منطقه بندی ظهور یافت. برای نمونه درباره حمل و نقل عمومی، نقش اقتصادی مردان و برنامه های آنان به منزله یک اصل در مکان یابی و برنامه ریزی بدون توجه به اشتغال زنان، مسئولیت های مراقبتی، و برنامه های زنان در طول روز در نظر گرفته می شد [26].

رویکرد مشمولیت زنان در فضای شهری

با جدایی تولید از خانه، قلمروهای خانه و فضای عمومی شخصیت و هویت متفاوت یافت. از آن جا که مکان مناسب برای زنان به صورت تاریخی در خانه و نزدیک آن در نظر گرفته می شد، زنان کم تر از مردان در فضاهای عمومی حضور می یافتند؛ به ویژه هنگامی که ضرورتی برای انجام فعالیت و مسئولیت های محوله شان مانند خرید وجود نداشت. برای مثال در زمان سلطنت ملکه انگلستان حضور زنان در خیابان ها نوعی گستاخی به شمار می رفت، موضوعی که هنوز در بسیاری از کشورهای اسلامی وجود دارد. حضور زنان شاغل برای حضور زنان در فضاهای عمومی بستری فراهم کرد؛ اگرچه هنوز هم محدودیت هایی مانند ترس از آزار جنسی و ناامنی در این میان وجود دارد. با گذشت زمان و توسعه مفهوم شهروندی، به آزادی سیاسی و تولید اجتماعی فضا توجه شد. در واقع زنان با استفاده از مفهوم شهروندی حقوقشان را از شهر طلب می کنند. تأکید بر فضاهایی با قابلیت های گوناگون مشتمل بر دو جهت کلی است:

۱. درخواست برای تغییر در فرایند برنامه ریزی شهری با هدف توجه به حق بیان زنان؛
۲. مشمولیت زنان از طریق ایجاد ساختارهای نهادی و تقویت رویکرد جنسیتی در حکم روایی شهری، تشکیلات زنان در مقام شهروند، اغلب مشتمل بر موضوع قلمرو و فضا است؛ به صورتی که زنان بر استراتژی های مکانی تکیه دارند تا فضاهای سیاسی جدیدی را در شهر برای خود ایجاد کنند. در این میان موضوع های اولیه ای مانند حرکت، امنیت، اسکان، و خدمات شهری و نیز توجه به فضای زندگی شهروندانی که به حاشیه رانده شده اند نیز در نظر گرفته می شود [27].

مدل اخلاقی مراقبتی

این مدل استفاده زنان از فضاهای عمومی را، با تصور زنان از وظیفه مراقبت و هم چنین توسعه محدودیت های مراقبتی، برای آنان محدود می کند. این چهارچوب هم زمان امکاناتی برای زنان در زمینه دریافت مراقبت از جانب دیگران و ایجاد امکاناتی برای افزایش مراقبت و توسعه فضاهای عمومی فراهم می کند. اصول اخلاقی مراقبتی مدلی از توسعه اخلاقی و معنوی است که در آن نیازهای ضروری و اخلاقی در ارتباط با نیازهای مراقبتی و ارتباطات پایدار مد نظر قرار می گیرد. در مطالعات محیط رفتار اصول

اخلاقی مراقبتی به توضیح بسیاری از محدودیت های زنان در فضای عمومی اشاره دارد. این مدل بر امکان آشکار شدن جنبه های مثبت ارتباط زنان با فضاهای عمومی اشاره دارد و فرصت های جدیدی را برای افزایش رفاه در این فضاها پیش نهاد می کند. این مدل منبعی برای بیان امکانات و محدودیت های زنان در استفاده از فضاهای عمومی است و بر دو عرصه ترجیح و ترس از جنایت متمرکز است. اصول اخلاقی مراقبتی هم در حکم محدودیت و هم امکانی برای زنان در استفاده از فضاهای عمومی شهری تلقی می شود. محدودیت ها شامل ویژگی هایی است که میان فعالیت زنان در فضاهای عمومی، تجارب، و رضایت آن ها درباره استفاده از فضای عمومی فاصله می اندازد. این موارد به اختصار به چهار دسته تقسیم می شوند:

۱. محدودیت منابع (زمان، منابع مالی، تحرک، تعامل اجتماعی، خدمات، و فرصت ها)؛
۲. احساسات محدودکننده (نگرانی و ترس)؛
۳. مسئولیت های محدودکننده (کار منزل و نگه داری از فرزندان)؛
۴. هنجارهای اجتماعی محدودکننده (هنجارهای جنسیتی، شرایط اجتماعی غیرمنصفانه و برنامه ریزی و طراحی نامناسب فضاها).

طبقه بندی مکانی فضا های عمومی شهری برای ارتقا امنیت زنان

در این بخش برای سهولت بررسی بر اساس ویژگی های اصلی، فضاهای شهری به دو بخش فضاهای مسکونی و فضاهای عمومی شهری که بیشتر شامل میادین، خیابان ها و پارک ها و نظایر آنها می گردند، تقسیم شده اند [28].

الف) امنیت در بافت مسکونی

بافت مسکونی محیطی است که در طول شبانه روز پذیرای عده زیادی از زنان است. لذا در این پژوهش امنیت این نوع محیط شهری به صورت ویژه بررسی شده است. بطور کلی با اتصال املاک به یکدیگر و ایجاد ارتباط مناسب در بین آنها امنیت املاک، امالکی که دور افتاده تر و ساکنان آنها بالاتر خواهد رفت. عموماً هستند و متروک شده اند احتمال وقوع جرم در اطراف آنها بالاتر می رود و فضا های متراکم ساخته شده ریسک جرم را پایین می آورد. همچنین برای افزایش ضریب امنیت زنان در مناطق مسکونی باید از امنیت زنانی که بیشتر تنها هستند (نظیر زنان خانه دار در طول روز که دیگران در اطرافشان نیستند) با افزایش بیشتر مراقبت خیابان ها و کاهش دادن فرصت های مخفی شدن و فراهم آوردن خلوت مناسب و تشویق نکردن ورود مزاحمان نظیر موتور سواران و یا خودروهای عبوری از مناطق مسکونی اطمینان پیدا کرد بر اساس مطالعه ای که بروی خشونت در واحد های همسایگی شهری در اواسط دهه ۱۹۹۰ انجام شد، نتایج نشان داد که نرخ خشونت کمتری در واحدهای همسایگی که "روحیه جمعی" دارند، اتفاق می افتد و این روحیه باعث نظارت در نگهداری و مراقبت از بچه هایشان و ابقای نظم عمومی می شود. از سوی دیگر یکی از ابزارهای خلق "واحد همسایگی امن تر" این است که آن فضای باز باید از دسترسی نسبی مردم جوان آزاد باشد. در اینجا سوالی که قابل طرح است این است که: چگونه تمرکز روی بازی و کارهای قابل انجام برای مردم جوان می تواند امنیت زنان را بهبود ببخشد؟ البته بازی های خیابانی کودکان در مواردی به عنوان عوامل تقویتی امنیت محیط (به خصوص برای زنان) نیز ذکر شده است، برای مثال، به عقیده آقای جهانشاه پاکزاد: "اگر کودکان بتوانند مثل سابق در کوچه ها بازی کنند (امنیت داشته باشند)، زنان و سالخوردگان نیز می توانند در این فضاها با آرامش حضور پیدا کنند و با این کار نیاز به ایجاد پارک های جدید هم کم می شود و در هزینه های شهرداری نیز صرفه جویی می شود" البته این گونه بازی های خیابانی باید کاملاً برنامه ریزی شده و پیشبینی شده باشد و نباید حریم معابر (چنانچه در کوچه های سطوح مسکونی کشور ما بسیار دیده می شود)، را اشغال کند و یا موجب از بین رفتن خلوت و آرامش ساکنان و عابران گردد. چنانچه در تجارب کشور فرانسه نیز مطرح گردیده است که حضور جوانان اسکیت سوار خود عاملی برای ایجاد حس اضطراب و ناامنی ازدیدگاه زنان ارزیابی شده بود [28].

ب) فضاهای عمومی شهری

تحقیقات اخیر در استرالیا و دیگر کشورها (۱۹۹۵) نشان داده اند که تفرجگاه ها، بازارها و دیگر مراکز خرید عمومی در برابر جرم آسیب پذیر هستند و مولفه های مشخصه جرم در آنها عبارتند از: عناصری در مراکز شهری نظیر مغازه ها، تئاتر، رستوران

ها، ایستگاه های حمل و نقل عمومی و غیره. اصولاً موقعیت های تجاری و تفریحی بر جرم و رفتار مجرمانه در سطوح پیرامون خود تاثیر می گذارند، همان طور که این سطوح قسمتی از پیاده رو ها و فضا های خارجی خود را نیز هم رنگ خود می کنند. جرم هایی که عموماً در فضاهای عمومی شهری رخ می دهند، شامل جیب بری، کیف قاپی، وندالیسم (صدمه زدن های مجرمانه)، سرقت وسایل نقلیه، حمله های بدنی خفیف و ترساندن و نظایر آنها می شود. اما بیشتر رفتارها و اعمالی که گروه های زیادی از استفاده کنندگان را از مراکز شهری می ترساند، اعمالی است که گرچه بطور اصولی جرم نیست، اما باعث بی نظمی عمومی می شود. جین جیکوب (۱۹۶۱)^{۱۱}، از آن ها به عنوان "بربریت (وحشیگری) خیابان" یاد می کند. این اصطلاح زننده ای است که با مفهوم شهرها به عنوان مراکز تمدن تقابل دارد و البته بین بی تمدنی و خشونت اجتماعی با بی تمدنی فیزیکی تفاوت وجود دارد، برای مثال حضور معتادان در یک فضای عمومی شهری بی تمدنی فیزیکی و بد دهنی و ناسزا گفتن او در این فضا بی تمدنی اجتماعی محسوب می شود [28].

نگرش برنامه ریزی کالبدی به امنیت زنان در محیط شهری

در سال ۱۹۹۰، ولنتاین ادعا کرد که با تسهیل، ادراکی که از یک مکان فیزیکی وجود دارد و بطور غیر رسمی از طریق طراحی کنترلی می توان اطمینان زنان را برای بیرون رفتن از خانه هایشان افزایش داد. او ده استراتژی طرحی را پیشنهاد کرد که عموماً درباره موقعیت، قابلیت دید بخصوص در ورودی ها، نورپردازی، نقاشی دیوارها، پل های عبورعابر پیاده، کوچه ها و راه های زیر گذر، منظرسازی، توسعه کف سازی ها و کنج ها و زاویه ها می شد. ولنتاین رویکردش را نسبت به محیط اجتماعی هم بسط داد و گفت: زنان با حضور بالفعل و بالقوه دیگران، احساس امنیت بیشتری می کنند، زیرا آن ها فکر می کنند که متخلفین با حضور و مداخله ناظران می ترسند حتی هنگامی که می دانند که شاهدان نمی توانند جلو رخ دادن جرمی را بگیرند. در واقع درک یک زن از امنیت بطور قوی با اینکه چگونه او در ارتباط با هر دو نوع محیط فیزیکی و اجتماعی اطرافش احساس راحتی می کند و آن ها را چگونه می شناسد، ارتباط دارد. در نتیجه می توان گفت: ارتباطات اجتماعی در یک فضا و گروه هایی که آن فضا را از نظر اجتماعی کنترل می کنند، اثر مهم تری در اینکه یک زن در آن فضا احساس امنیت بکند دارد تا طراحی آن. اما سیاست های کاربری زمین و حمل و نقل شهری و نظایر آن، بر سطح استفاده از مکان های عمومی و طبیعت استفاده کنندگان تأثیری گذارد و در نتیجه برنامه ریزی و طراحی شهری می تواند بر فرآیند کنترل و مدیریت اجتماعی این فضا ها تأثیر بگذارد [29].

بررسی تجارب جهانی انجام گرفته در زمینه ارتقاء امنیت زنان در شهرها

با توجه به اینکه تا کنون در کشور ما الگو و تجربه انجام گرفته ای در زمینه ارتقاء امنیت زنان در فضاهای عمومی شهری، به ویژه با استفاده از روش های فیزیکی و مداخله در برنامه ریزی کاربری ها و فعالیت ها، وجود نداشته، در این بخش با ذکر نمونه های مختلف تجارب جهانی موفق در این زمینه سعی شده است تا در قالبی معین به آنها پرداخته شود؛

کنفرانس لندن

کنفرانس "ساختن مکان های امن تر و امنیت زنان در شهرها"، در نوامبر سال ۲۰۰۵ و در لندن برگزار شد. در این کنفرانس از متخصصین مختلفی دعوت به عمل آمد. همچنین مطالعات عملیاتی این کنفرانس بر روی زنان ویتنامی انجام گرفت که در غالب ۳ کارگاه انجام شد: (۱) کارگاه طراحی شهری، (۲) کارگاه روش های سنجش و ارزیابی و (۳) کارگاه تمرین اولویت دادن و طرح های اجرایی. کارگاه طراحی شهری روی مقولاتی مثل دسترسی و حرکت و نماهای فعال و مسائلی مثل اینکه نماهای فعال فرصت های اعمال مجرمانه را کاهش می دهند و از این دست، تمرکز کرد و مکان هایی را معرفی کرد که موفق بودند و از نظر حرکتی خوب طراحی شده اند و انواع حرکت را دارند. کارگاه روش های ارزیابی نشان داد که به یکسری از مقولات باید توجه شود مثل: مغازه های خالی، چیزهای غیر ضروری، کمبود مسئولین مثل پلیس، نگهبان ها و نظایر آن و نور ضعیف، نشانه های

هدایت کننده ضعیف، وندالیسم، کمبود نقاط امدادی مثل تلفن‌ها. البته پس از رأی‌گیری نتیجه گرفته شد که عامل " نور ضعیف" مهمترین اولویت را در تضعیف امنیت دارد[30].

تجربه تورنتو

در پروژه W.L.S.E که درباره طراحی فضاهای شهری برای امنیت زنان در شهر تورنتو و در ۱۹۹۱ انجام گرفت از روش برنامه ریزی و طراحی حساس برای ایجاد حس امنیت در زنان استفاده شد. در این برنامه دو راهبرد عمده را برای ایجاد شهر امن‌تر برای زنان مطرح کردند: اول ایجاد خط مشی‌هایی برای ایجاد فضاهای باز امن شهری و دوم آماده کردن مسئولین شهر برای این که به گزینه‌ها از دور نگاه کنند. این خط مشی‌ها شامل: نور رسانی‌ها، نشانه‌ها و شاخص‌های حرکتی، توجه به نقاط اغفال کننده، مراقبت‌ها و کنترل‌ها، کاربری‌های مختلط، مولدان فعالیت، ایجاد احساس مالکیت، ابقا و نگهداری، اطلاع رسانی و کیفیت طراحی می‌شد. در مرحله بعد این خط مشی‌ها در مکان‌های ویژه ای که به طور رایجی نا امن قلمداد می‌شدند یا جاهایی که مردم احساس نا امنی می‌کردند اعمال شدند. مثل مکان‌های وابسته به حمل و نقل، واحدهای همسایگی مسکونی، مراکز شهر و مکان‌ها خصوصی تر نظیر: توالت‌های عمومی، آسانسورها، پله‌های اضطراری و پل‌های عابر پیاده. حالا این خط مشی‌ها در سطح کل استرالیا و از طریق یک تحلیل جامع از سیاست‌های CPTED (پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی) در سطح حکومت محلی استفاده می‌شود. خط مشی‌های اخیر برای "فضاهای آسیب پذیر" تعریف شده اند و این فضاها، فضاهایی هستند که درک عمومی هم از آنها نا امن است و ممکن است در آنها رفتارهای آزار دهنده رخ بدهد. فضاهای آسیب پذیر عموماً عبارتند از: کاربری‌های مربوط به فعالیت پذیرایی‌ها و مراکز تفریحی بزرگ، لبه‌های مراکز خرید و یا لبه‌های بیمارستان‌ها و دیگر سازمان‌های بزرگ، فضاهای باز، فضاهای اطراف مدارس، فضاهای عمومی مثل تسهیلات حمل و نقل عمومی، پارکینگ‌های ماشین، توالت‌های عمومی، جایگاه‌های تلفن و نظایر این‌ها. اما اغلب فضاهای آسیب‌پذیرتر در مکان‌های متروک و پنهان شده، هستند و نقاط اغفال کننده دارند، به ویژه مکان‌هایی که بعد از ساعت‌ها استفاده عادی شده اند. همچنین از دیگر روندها و راه حل‌های مطرح شده خط مشی‌های CPTED توسط مسئولین برنامه ریزی دولت محلی، ترویج "اقتصاد شبانه"، باز تولید کردن مسکن در مراکز شهری، افزایش دادن شرکت زنان در برنامه ریزی و طراحی، ارتقا دادن "دهکده‌های شهری" به عنوان یک گزینه برای مراکز سنتی و قدیمی و مبتنی بر حوزه‌های قابل پیاده روی در اطراف مراکز و ایستگاه‌های حمل و نقل و ایجاد پردیس‌های امن زنان می‌باشد[30].

راهکارهای طراحی شهری در ابعاد کالبدی، اجتماعی و کالبدی-اجتماعی امنیت به منظور افزایش امنیت زنان

در فضای شهری

راهکارهای بعد کالبدی مؤثر بر امنیت

نورپردازی مناسب فضا: شامل نورپردازی کامل مسیرهای پیاده، پله‌ها، فضای سبز.

اصلاح پوشش گیاهی پارک: شامل استفاده از پوشش گیاهی مناسب با چتر محدودتر و ارتفاع بیشتر، پرهیز از کاشت انبوه گیاهان به طوری که در شب باعث ایجاد توهّم شود، پرهیز از ایجاد گوشه‌های پنهان و دور از دید توسط کاشت گیاهان، توجه به تغییرات فصلی در انتخاب نوع پوشش گیاهی.

کیفیت راه‌ها و دسترسی‌ها: شامل تأمین تسهیلات دسترسی به ویژه تکمیل شبکه‌های پیاده‌راهی امن و با عرض و کف سازی مناسب، تأمین اتصالات تعریف شده و ممتد، استفاده از بافت مصالح غیرلغزنده و بادوام برای کف سازی، پرهیز از ایجاد مسیرهای ناخوana و بن بست و یا پیچ در پیچ در فضا.

مبلمان: شامل تأمین مبلمان متناسب شهری در فضا با رعایت استانداردهای بین‌المللی، تأمین علائم و نشانه‌ها به اندازه کافی در فضا، نصب و راه اندازی تلفن‌هایی که به طور مستقیم به مراکز فوریت‌های پلیس یا اورژانس متصل می‌باشند، استفاده از مصالح مقاوم در مبلمان شهری و تأمین مبلمان متناسب با ویژگی‌های جسمی افراد به ویژه زنان.

کنترل دسترسی: شامل ایجاد محدودیت دسترسی در طول ساعات شب در ورودی‌های فرعی پارک که فاقد نگهبانی می‌باشند.

حیات شبانه کاربری ها: ایجاد کاربری های فعال و روشن در شب، احداث رستوران و کافی شاپ و ایجاد سرویس های شبانه ایمن مانند استقرار دفاتر تاکسی تلفنی در محیط.

اختلاط کاربری: شامل تأمین تسهیلات لازم برای حضور و فعالیت مستمر کودکان و زنان، ایجاد کاربری های جاذب و متنوع برای گروه ها و افراد مختلف و جلوگیری از توسعه حوزه های تخصصی و تک بعدی فعالیتی.

دسترسی به کمک: شامل قرار دادن کیوسک های اطلاع رسانی، استفاده از دوربین های مدار بسته و آموزش باغبانان برای کمک رسانی به افراد.

خوانایی: شامل وجود نشانه های شاخص و قابل رؤیت در فضای شهری به منظور جهت یابی، تأمین روشنایی کافی فضا در شب، ایجاد مسیرهای شفاف و واضح و قابل تشخیص برای افراد [28].

راهکار های بعد اجتماعی مؤثر بر امنیت

عدالت اجتماعی فضا: شامل پرهیز از ایجاد کاربری های صرفاً مردانه، تجهیز فضا برای استفاده جمع های مرکب از گروه های مختلف به ویژه زنان، در نظر گرفتن نیازهای هر دو گروه استفاده کننده از فضا یعنی هم زنان و هم مردان.

امنیت درک شده از تراکم جمعیت: شامل ایجاد تراکم در فعالیت های اجتماعی برای جلوگیری از ارتکاب جرم، استفاده از فعالیت های جاذب جمعیت و توزیع مناسب آنهادر فضا.

کنترل و نظارت اجتماعی: شامل جلوگیری از متروک ماندن واحدهای تجاری مجاور فضای شهری، مکان یابی مناسب کیوسک های تلفن و روزنامه فروشی یا دکه های سیار در مناطق جرم خیز برای افزایش نظارت فضا.

راهکارهای بعد کالبدی - اجتماعی مؤثر بر امنیت

آشنا بودن فضا: شامل حفظ کاربری های دارای سابقه طولانی در صورتی عدم مزاحمت با نام قدیم خود، حفظ ساختمان های با ارزش کالبدی و فعالیت های قدیمی، نصب علائم، نشانه ها یا کاربری های هویت بخش.

شهرت فضا: شامل خوش نام و یا بدنامی فضا که تأثیر زیادی بر حضور و احساس امنیت افراد (به خصوص زنان) در فضا دارد. بنابراین می توان با توجه به مباحث روشنایی، کنترل، نظارت اجتماعی و غیره؛ موجبات ارتقاء شهرت فضای مورد مطالعه را فراهم آورد [29].

جمع بندی و پیشنهادها

از لحاظ نظری امنیت اجتماعی از جمله نخستین حقوق همه شهروندان و لازمه توسعه و رفاه اجتماعی است. به جز تحقیق حاضر، درباره نقش متغیرهای محیطی و فضا در امنیت اجتماعی و نیز احساس امنیت شهروندان و به ویژه زنان، مطالعات وسیعی انجام شده است. هدف این تحقیقات نشان دادن تأثیر جدی عامل فضا و مختصات آن، بر امنیت اجتماعی واقعی و درک شده در میان شهروندان، به ویژه در محیط های شهری بوده است. در وجه فیزیکی در جامعه ای که پاکیزگی محیط هنجار است، رعایت نکردن پاکیزگی و نظافت در فضای شهری نخستین نماد هنجارشکنی محسوب می شود؛ زیرا وضعیت را برای پیدایش سایر ناهنجاری ها آسان می کند. در وجه نمادین، کیفیت زندگی انسان به انواع پیام های دریافت شده از محیط زندگی و اطراف خود بستگی دارد؛ زیرا طبیعت محیط، طبیعت زیستی و ذهنی انسان را پی ریزی می کند. از نظر صاحب نظران، نشانه های سیمای شهری از جمله عوامل مهم تشخیص قسمت های مختلف شهر هستند؛ به این ترتیب، افراد، به خصوص اشخاص غریبه به محیط و تازمه وارد ها از طریق برقراری ارتباط با آن ها امنیت را احساس می کنند و مسیر خود را می یابند. در وجه اجتماعی نیز حضور جمعیت و جریان تردد شهروندان، نوعی احساس ایمنی به افراد می بخشد و امکان ارتکاب جرم را کاهش می دهد. این پژوهش احساس امنیت اجتماعی را در میان زنان در سطح شهر ها را سنجیده است و با تفکیک مؤلفه های فضاهای شهری به سه بعد فیزیکی، نمادین و اجتماعی فضاهای شهرها ارزیابی شده اند. مهمترین نکات حاصل شده این مقاله که مسئولان و تصمیم گیرندگان مسائل شهری باید به آن ها توجه کنند، شامل این موارد است؛

بعد نمادین

- مناسب سازی بصری نماها.
- اطلاع رسانی به شهروندان درباره مسیرها با استفاده از بناها یا عناصر شاخص در محل
- استفاده از تابلو راهنمای مسیرها برای مشخص کردن وضعیت دسترسی ها.

بعد اجتماعی

- تقویت نظارت عمومی در محدوده محله، از طریق فعال کردن کاربری های ۲۴ ساعت.
- افزایش میزان تعاملات اجتماعی از طریق توجه به وجود تنوع کاربری و فعالیتی در محل.
- حضور مردم و نظارت های مردمی (مثلاً به صورت پلیس محل).
- استفاده از عناصر طبیعی و درختان و گیاهان، سرزندگی و شادابی محیط را تقویت می کند.
- فعال کردن میدان های کوچک و محلات شهری، ایجاد محیط های فرهنگی و ورزشی مانند فرهنگسراها و انجمن های علمی و فرهنگی، ایجاد مراکز خرید در محلات.
- ایجاد کیوسک های نگهداری.

بعد فیزیکی

- توجه به آماده سازی مناسب سطح مسیرهای تردد احساس آسفتگی را تا حد زیادی کاهش می دهد.
- آرایش درختان، گیاهان و فضای سبز شهری به صورت عام مؤثر در کاهش آسفتگی فضا.
- از بین بردن کنج ها و فضاهای بلااستفاده در فضاهای شهری.
- استفاده از فضای سبز مناسب و ایجاد پیوند میان عناصر طبیعی و عناصر مصنوع.
- استفاده از روشنایی مناسب در معابر، به ویژه زیرگذرها.
- از میان برداشتن عناصر زاید که به محدود شدن دید شهروندان منجر می شوند.
- ایجاد محیط جذاب از طریق تنوع فرمی و کالبدی.
- استفاده از اصول طراحی در اجرای فضای سبز.

منابع و مراجع

- [۱] ضابطیان، الف، ۱۳۸۷، شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقاء امنیت زنان در محیط شهری (نمونه موردی مطالعه: محدوده جنوبی خیابان امام خمینی حد فاصل خیابان ناصر خسرو تا وحدت اسلامی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس.
- [۲] جواهری، ف، قضاتی، س، ۱۳۸۳، بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی بر کارآفرینی زنان در ایران ویژگی‌ها، گرایش و رفتار، انجمن جامعه شناسی ایران، سال پنجم، شماره ۲
- [۳] ضابطیان، الف، ۱۳۸۹، بررسی شاخص‌های برنامه ریزی شهری مؤثر در ارتقای امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکرد مشارکتی، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهر سازی، (۴۳-۵۶)، زمستان ۱۳۸۹.
- [۴] گلی، ع، ۱۳۹۰، زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
- [۵] افروغ، ع، ۱۳۷۷، فضا و نابرابری اجتماعی، ارائه الگویی برای جداگیزی فضایی و پیامدهای آن، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- [۶] زنجانی زاده، ه، اعزازی، ش، ۱۳۸۱، زنان و امنیت شهر، مجله ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۳۴.
- [۷] رزمی، ح، ر، ۱۳۹۶، نیم نگاهی به نقش مولفه‌های کالبدی ساختار فضایی شهر در تحقق بخشی حس امنیت مبتنی بر نگرش جنسیتی، نشریه علمی پژوهش در مهندسی عمران و معماری ایران، دوره: ۲، شماره: ۶
- [8] Dias, L. et al. (2007). Urban security and spatial behavior, syntactic and perceptual analysis of the central area of Porto Alegre. 6th international Space Syntax Symposium. Istanbul.
- [9] Russ, Thomas(2006), SAFE CITY STRATEGY, Site Planing And Design Handbook, Graw-Hill Companies, November, New York.
- [۱۰] شیدیه، ش، ۱۳۹۵، شناسایی ویژگی محیطی تأثیرگذار بر احساس امنیت بانوان در فضاهای شهری (مطالعه موردی: محلات مخصوص و سلامت، منطقه ۱۱ تهران)، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۵، صص ۸۷-۸۸.
- [۱۱] فلاحتی، ل، ۱۳۹۴، ساختار فضایی شهر و احساس امنیت در بین زنان (مطالعه موردی: ورودی مترو تجریش و پایانه جنوب تهران)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش ۲۰، صص ۶۱-۶۹.
- [۱۲] تازیکی، ط، ۱۳۹۳، عوامل مؤثر بر افزایش احساس امنیت زنان در پارک‌های شهر؛ مطالعه موردی زنان ۵۰-۱۸ سال شهرستان بجنورد، دانش انتظامی خراسان شمالی، سال ۱، ش ۱.
- [۱۳] گلی، ع؛ زادولی خواجه، ش؛ زادولی، ف، ۱۳۹۳، ارزیابی نگرش جنسیتی در طراحی فضاهای شهری (مطالعه موردی: پارک بانوان شمس تبریز)، نشریه زن در توسعه و سیاست، شماره ۲، صص ۱۸۸-۱۷۱.
- [14] Krenichyn, K. (2004), Women and Physical activity in an urban park: Enrichment and support through an ethic of care, Journal of environmental Psychology, PP117-130.
- [۱۵] محمدی، ج، مریم، م، ۱۳۹۲، بررسی احساس امنیت زنان در مناطق شهری نمونه موردی مناطق ۵ و ۱۳ اصفهان، مطالعات جامعه شناختی شهری، ش ۹.
- [۱۶] اکبری، ر، پاک بنیان، س، ۱۳۹۱، تأثیر کالبد فضاهای عمومی بر احساس امنیت اجتماعی زنان، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۷، ش ۲.
- [۱۷] رضازاده، ر، محمدی، م، ۱۳۹۱، بررسی حضورپذیری زنان در فضاهای شهری، هویت شهر، شماره ۱۲، صص ۲۶-۱۵.
- [۱۸] رهبری، ل، ۱۳۹۱، احساس امنیت در فضاهای شهری و حق زنان به شهر: پژوهش اکتشافی در شرق تهران، چکیده مقالات اولین همایش علمی و پژوهشی زنان و زندگی شهری.
- [۱۹] گلی، ع، ۱۳۹۰، زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: پارک آزادی شیراز)، دو فصلنامه جامعه شناسی تاریخی دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۳ و ۲، صص ۱۴۳-۱۴۴.
- [۲۰] الیاس زاده مقدم، ن، ضابطیان، ا، ۱۳۸۹، بررسی شاخص‌های برنامه ریزی شهری مؤثر در ارتقای امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکرد مشارکتی (نمونه موردی: بخش مرکزی شهر تهران)، نشریه هنرهای زیبا- شهرسازی، و معماری صص ۵۶-۴۳.
- [21] Franck, Kevin (2002). Women and Environment, Handbook of Environmental Psychology, John Wiley and Sons, New York.

- [22] Koskela , H and pin. R (2000). Revisting fear and place : womens fear of attact and the buitt environment Geoforam 31.

- [۲۳] ضابطیان، ا، بمانیان، م، رفیعیان، م، ۱۳۸۹، بررسی الگوی برنامه ریزی کاربری فضاهای شهری مؤثر بر افزایش امنیت زنان (نمونه موردی: بخش مرکزی شهر تهران)، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، صص ۱۲۶-۱۳۶.
- [۲۴] بمانیان، م، رفیعیان، م، ضابطیان، ا، ۱۳۸۸، سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط های شهری، پژوهش زنان، دوره ۷ شماره ۳.
- [۲۵] پورجعفر، م، محمودی نژاد، ه، رفیعیان، م، انصاری، م، ۱۳۸۷، ارتقای امنیت محیطی و کاهش جرائم شهری با تاکید بر رویکرد CPTED، نشریه بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت، جلد ۱۹، ش ۱۶، صص ۷۶-۷۹.
- [۲۶] محمدی، م، ۱۳۸۷، بررسی ملاحظات جنسیتی در برنامه ریزی و طراحی شهری: زنان و رویکرد عدالت جنسیتی در توسعه پایدار، مجله جستار های شهرسازی، شماره ۲۵-۲۴.
- [۲۷] ضابطیان، ا، رفیعیان، م، ۱۳۸۷، درآمدی بر فضاهای امن شهری با رویکرد جنسیتی، جستارهای شهرسازی، شماره ۲۴ و ۲۵، صص ۴۸-۵۲.
- [۲۸] ساروخانی، ب، نویدنیا، م، ۱۳۸۵، امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
- [۲۹] علی آبادی، ج، ۱۳۸۱، نقش فضاهای شهری در تامین امنیت اجتماعی، ماهنامه ی شهرداری ها، شماره ۴۱، صص ۱۳ - ۵.
- [۳۰] زنجانی زاده اعزازی، ه، ۱۳۸۰، زنان و امنیت شهری، مجله دانشکده ادبیات وعلوم انسانی، سال ۳۴، شماره ۳ و ۴.